(هو المستعان)

—﴿ قسمت اوّل از ﴾—

(مدرسهٔ سیّار) ترجمهٔ (الرحلة المدرسية والمدرسة السيارة)

اعداد توریة از ترجمه «بروس» چاپ لندن نقل میشود وحسب الأمر . . . سائر جملات ترجمهٔ تحت اللفظ گردیده . بقلم اختیاری بنده نیست ﴿ مترجم ع . و ﴾

—﴿ درخواست ﴾—

هر گونه اعتراض یا بحث یا بیانی راجع بمندرجات این کتاب بنظر خوانندگان محترم برسد بحضرت مؤلف مراجعه نمایند . خدمتی بعالم معارف خواهد بود

بشرکت جمعی محترمین از علاقه مندان عالم اسلامی تبریز ایّدهم الله بطبع رسید

محلّ فروش در تبریز بازار شیشه گرخانه کتابخانه سروش . و .

(طبع بالمطبعة ﴿ الحيدريّة ﴾ في النجف الأشرف)

(لصاحبها الحاج شيخ محمد صادق واخيه الشيخ محمد)

(ابراهيم حفظهما الله سنة ١٣٤٦ هجريّة)

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

الحمدلله باریء الخلق. الهادی الی الحق . الموفق للصواب . نحمده ونشکره ونستعین به ونسئله النجاة من زلل الأهوآء وزیغ الضلال وعمی التقلید . ونصلی علی رسله وانبیآئه واولیائه قادة الخلق الی الحق

— بنام خداوند بخشندهٔ مهربان —

ستایش سزاوار یکتاستی * که گردون باحمد بیاراستی
نه بیهوده گویم درخشان بود * کتابی بدادش که فرقآن بود
ره از بر تکامل کسی بایدش * دران بنگرد تا که بنمایدش
بدانش پژوهان زمن نکتهٔ ایست * که در قید تقلید تا چند زیست
قـدم رنجهٔ سوی برهان کنند
پس انگـاه تصدیق قرآن کنند

سـپس این نظریات دینی ونتائج فکری را به (مدرسهٔ سیّار) نامیـده وبرای زیادتی بصیرت انرا بطریق سؤآل وجواب از لحاظ خواننده گـان محترم میگذرانم . خود را «عمانوئیل» (۱) پسر «الیعازر» (۲) نمایش داده . میگویم . قسّی (۳) بما ورد

(۱) لفظ عبرانیست . ترجمه «خدا با ما» (۲) . . خدا یار (۳) قس عالم روحانی نصاری

کرد . ورود اورا غنیمت شمرده رفع شبهاتیکه در ذهن سیّار وسیّاحم خلجان مینمود از او خواستار شدم ﴿ گفتم ﴾ - جناب قس - آیا ممکن است از فوائد روحانیت محترم بهرمند شده . در تعلیم وارشادم خود داری نفرمائید ؟

(قس) بله بله وظیفهٔ روحانیت من است . واز این جهت شب زنده داری نموده وباین رتبهٔ شایان ومقام برجسته رسیده ام وامید وارم روز پسین هم برمآئدهٔ مسیح جلوس نمائیم

(عمانوئیل) تشکر مینمایم . امید است از لطف سرشار وحسن تحمل در سؤالاتیکه نا گوار بمذاق دیانت وروحانیت محترم است متنوّر وبهره مند گردم

﴿ قس ﴾ سؤال کن انچه دربیان شبهه ضروریست « تا بهره بری وبهره بخشي »

﴿ عمانوئیل ﴾ مگذار اسیر جهل باشم . بروحانیت خود دست گیرم فرمائید

﴿ قس ﴾ روح القدس بر تو حلول نموده دستگیر خواهد بود

﴿ نصاری روحانیان خود را پدر مینامند ﴾

﴿ الیعازر ﴾ . فرزند . چرا برسوم ادب مکالمه نمینمائی ؟

اسقف بر اوقات گرانبهائیست که در ازاء تربیت گذاشته ام
(عمانوئیل) سرزنش موجب گرفتگی خاطر است . وشخصرا
دلتنگ میدارد . منکه در احترامات حضرت قس فرو گذار
نبوده ام
(الیعازر) آیا نمیدانی این شخص بمقام روحانیتش شایسته
انستکه درمقام تکلم ـ بأو «ای پدر» خطاب نمائی چنانچه نزد
مسیحیان مرسوم است . مگر درجرائد . ومجلات . وکتب
آنها ندیده ؟ « الأب فلان . الأب فلان . الاباء الیسوعیون »
اگرچه معذورید زیرا مجالسه بامسلمانان تضییع آداب مسیحیه مینماید
(عمانوئیل) ـ پدر ـ بدیهی است، که تقوی ونجاتم را
خواهان بوده وهستید چگونه میفرمائید مخالفت مسیح وانجیل
را داشته ومرتکب شوم امریکه مسیح در انجیل ازآن نهی
فرموده ومقارن باشرك نموده است
(الیعازر) امر تازه است که تاکنون بمسیحیان نرسیده یا
آنکه انجیل متذکر است ؟
(عمانوئیل) مراجعه فرمائید عدد ۹ باب ۲۳ انجیل متی در
خطاب مسیح بگروهان وشاگردانش (وهیچکس را برزمین

پدر خود مخوانید زیرا پدر شمایکی است که درآسمانها است)
(الیعازر) ای پدر . چه میفرمائید دراین تازه سرائی عمانوئیل؟
(قس) ــ الیعازر ــ روشن کرد عمانوئیل حقیق که برغم
کتاب مقدس مستور بود . من هم ازاین خطاب منزجر بوده ام
ونظر بعلاقه مندی مفرطی که برادران روحانیم بر این خطاب
داشته ودارند . تاکنون اظهارعقیده نموده وازنهی وابراز انزجار
خود داری مینمودم . اینک اظهارعقیده مینمایم « چون حق کشي
نتوان درجواب پرسنده » البته سپس مرا باین لقب خطاب نمائید
(الیعازر) ــ جناب قس ــ چون در پسر من معرفت وحرّیت
ضمیر مشاهده میداریداميد است برما منّت گذاشته درارشاد
وتعلیمش فرو گذار نفرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ نظر بدرخواست پدرم قس در تعلیم وارشادم
خود داری نفرموده باجوبه مسائل خورسندم میداشت . تا در
مجلسي ذکرعالمَ وپیدایش پیش آمد نمود وهرکس بحسب عقائد
امروزه اظهاراتی داشت . ولی . افکارآنها بمذاق دیانتیم
صعب وناگوار بود . تمنی کرده درصورت اجازه مطلب را بر
وفق اصول معقوله آلهیین مشعشع داریم . چون . اینگونه

امور محتاج باساس متین واصل محکمی است که باز گشت
بتقلید نداشته وحقائق منزّهه را مستور ندارد

﴿ اهل مجلس ﴾ صحیح است . هر گونه مائلید مذاکره نمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ . جناب قس . متمنی است بر وفق کتاب مقدس
پیدایش را توضیح دهید

﴿ قس ﴾ آیا توریة نزد شما موجود است

(عمانوئیل) نسخ عبرانی . عربی . فارسی . غیرآنها حاضر است

(قس) سفر پیدایش را بخوان

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲ و ۳ باب ۲ سفر پیدایش « وروز
هفتم خداوند از همه کار خود که ساخته بود استراحت نمود
« ۱ » ۳ پس خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واو را
تقدیس نمود زیرا در این روز استراحت نمود « ۱ » از همه کار خود
که آفریده وساخت » گفتم . جناب قس . آیا برای خداوند در
ایجاد مخلوقات تعبی است . تا استراحت نماید پس از فراغت ؟

« ۱ » اگرچه در بعض تراجم به « آرام گرفت » ترجمه شده . ولی
« در اصل عبرانی « یشبت » است وترجمهٔ صحیح آن « استراحت
نمود » میباشد

آیا این تعبیر نسبت بخداوند زشت وبی مغز نیست ؟

﴿ قس ﴾ تسامح در تعبیر فرموده ودر توریة تعبیراتی است که خارج از قلم ادبی میباشد . بلکه باندازه وحشت آور است . بزودی نفرت مورزید « دور از ادب اُفتد آنکه نفرت ورزد »

﴿ جمعیت کتاب الهدایه . توریة . روز هفتم ﴾

(عمانوئیل) شنیدن ادب است . ولی . سؤآل دیگری است که مربوط بهمین شماره است . میگوید « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید واورا تقدیس نمود » باانکه جمعیت « کتاب الهدایه » مطبوع بمعرفت مرسلین امریکان درجزء ٤ صفحه ١٨٤ این مطلب را بکلی انکار نموده وجسورانه نوشته اند که خداوند در توریة نفرموده « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید وارو ا تقدیس نمود » . متأسفانه نویسندگان الهدایه را دعات هدایت وتقوی دانسته از کذب منزه میشماریم . آیا نمیدانند چشم وگوش مردم باز است ؟ . بیجور حقیقتند

﴿ قس ﴾ بنام مرسلین ومبشرین فریب مخور « فانا من ههنا اُتینا » : « زینگوشه شرربما رسیده »

﴿ عدن . دجله . فرات ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم باب ۲ عدد ۸ تا ۱٤ « خداوند خدا باغی در عــدن بطرف مشرق غرس نمود وان آدم را که سرشته بود در اینجا گذاشت ۹ وهر درخت خوش نما وخوش خوراك را از زمین رویانید وهم درخت حیوة در وسط باغ و درخت معرفت نیك وبد را ۱۰ ونهری ازعدن بیرون آمــد تاباغ را سیر آب کند . ودر انجا منقسم گشته چهار شعبه شد ۱۱ فیشون — ۱۳ جیحون — ۱٤ حدّاقل » دجله » . فرات » — جناب قس — آیا عدن در اینجا ودر کتاب اشعیا عدد ۳ باب ۵۱ وکتاب حزقیال عدد ۹ باب ۳۱ وکتاب یوئیل عدد ۳ باب ۲ همین عدن معروف دربغازباب المندب است

(قس) ظاهر همین عدن معروف است

﴿ عمانوئیل ﴾ مستحضرید . دجله جاریست ازجبال ارمینیة وفرات ازبلاد ارضروم . فقط تلاقی مینمایند درشطّ العرب تا خلیج فارس چگونه ممکن است خارج شوند ازعدن ؟!

(قس) مطلبی است . ولی . « اهمال نظر نما که نیکواست » چگونه توریة را دراین مطلب تکذیب نموده یا تصدیق داریم . بگذر وبخوان

نهی آدم ازدرخت . کذب . مار وصدق

﴿ عمانوئیل ﴾ عدد ۱۵ باب ۲ تا عدد ۸ باب ۳ « وخداوند خدا آدم را گرفت واورا درباغ عدن گذاشت تاکار آنرا بکند وانرا محافظت نماید ۱۶ وخداوند خدا آدم را فرموده گفت ازهمه درختان باغ بی ممانعت بخور ۱۷ امّا از درخت معرفت نیك وبد مخوری زیرا روزیکه ازان خوردی خواهی مرد . عدد ۱ باب ۳ مار ازتمامی حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود هوشیارتر بود به « حوّا » گفت آیاخدا گفته است که ازهمه درختان باغ مخورید ۲ زن بمار گفت ازمیوهٔ درختان باغ میخوریم ۳ لکن ازمیوه درختیکه در وسط باغ است خدا گفت از آن مخورید وانرا لمس مکنید مبادا بمیرید ٤ مار گفت هرآینه نخواهید مرد ۵ بلکه خدا میداند روزیکه ازآن بخوریدچشمان شما باز شود ومانند خدایان «۱» عارف نیك وبدخواهید بود ٦ وچون زن دید که ان درخت برای خوراك نیکو است وبنظر خوشنما ودرختی دلپذیر پس ازمیوه اش گرفته بخورد وبشوهر خود نیزداد واو خورد ۷ انگاه چشمهای هردو ایشان باز شد

«۱» عبارت اصل عبرانی « الوهیم » دراین لغت یاه ومیم علامت جمعست

وفهمیدند که عریانند پس برگهای انجیررا بهم دوخته سترها برای خویشتن ساختند »

عدد ۷ خاتمه یافت توریة را بهم زده مقابل خود بروی میز گذاشتم

(قس) چرا مبهوت نشسته ؟ بخوان . بخوان

﴿ عمانوئیل ﴾ اجازه میفرمائید سؤآلات خودرا با کمال آزادی بعرض رسانم . توریة کتاب آسمانیست وناچار است دراطراف تصحیح وتأویل ان کوشیده وشبهات خودرا از لحاظ محترم بگذرانم « شاید از روزنه پرتو عرفان تابد »

(الیعازر) ای عمانوئیل . مگر در کتاب خداوند شکی است که درحل مندرجات ان تمسك بقس میجوئی ؟ کاش از مجالست مسلمانها ومراجعت کتب انها ممانعت مینمودم

(عمانوئیل) ـ پدر ـ بنظر مبارکست که درطفولیت از رفتن مدرسه امتناع ورزیده باکمال جدیت ترغیب وتشویقم میداشتید . بدیهی است اگر تاکنون در ظلمت جهل واسارت تقلید بودم کورانه تصدیق این نوع مطالب را نموده وآنهارا بهترین عقیده میپنداشتم . یادر صورتیکه دوره تحصیلاتم در مدرسهٔ طبیعیات بوذ دیگر اینگونه دراطراف دیانت کنجکاو نبودم

(قس) ای الیعازر « سرزنش حربه عجز است بگو برهان را » بگذار رفع شبهات پسرت را بوسیلهٔ برهان نموده واساس دیانتش را ثابت دارم

(عمانوئیل) - پدر - از این سرزنش استفاده میتوان داشت بامن همدرد وهم عقیده اید فقط علاقه مندیهای زیاد شما بدیانت مسیحی جلو گیر اظهار همدردیست . اجازه دهید بحث نمایم (دخت بحث است هر آن قصه که بی ریب آید) . الحقیقة بنت البحث

قدس خداوند متعال . دروغ . خدعه

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا نزد خداوند متعال کذب وخدعه است ؟!!

(قس) نه . نه . استغفار کنید . چگونه معقول است

(عمانوئیل) پس چگونه خداوند بآدم میفرماید . تا از درخت نیك وبد خوردید خواهید مرد . باانکه خوردند ونمردند. آیا این جمله نسبت بخداوند کذب وخدعت نیست ؟ . بگذریم . « مار » گفت بخوربد نخواهید مرد - صدق مار وخیر خواهی او مضحك است . میگوید . « ٥ بلکه خدا میداند روزیکه از ان درخت بخورید چشمهای شما باز شود مانند خدایان عارف

نیك و بد خواهید شد ـ ۷ انگاه چشمهای هر دو ایشان باز شده فهمیدند که عریانند » ـــ آقای قس ـــ آیا صدق مار و خیر خواهی او متصوّر است ؟ با انکه عدد ۹ باب ۱۲ مکاشفه یوحنا متذکر داشته ومیگوید « این مار مار قدیمی است که بشیطان موسوم وتمامی مسکون را میفریبد ، بگذریم . قصه فضیحت آور است

﴿ قس ﴾ مقصود موت جسمانی نیست . زیرا آدم وصیت خداوند را بجای نیاورده مستوجب غضب گردید . وبپاداش این ارتکاب حیوة روحی ازاو سلب شد

(عمانوئیل) این جواب را درجزء ۲ صفحهٔ ۱۳۱ کتاب الهدایه دیده ام . غلط این اعتذار هم از توریة استفاده میشود . زیرا میگوید که آدم قبل از خوردن میوهٔ درخت معرفت نیك وبد را نداشته وبرهنگی خودرا تمیز نمیداد . خجلت نمیکشید ـــ مراجعه کنید چنین شخصی دارای حیوة روحی بوده تا از او سلب شود وکسیکه درك حسن طاعت وقبح معصیت را نداشته تا بطاعت رغبت نماید واز معصیت امتناع ورزد چگونه مغضوب شد ؟. بلکه سپس دارای حیوة گردیده

بنیك وبد وخیر وشر عارف شد وشایسته ترقیات وعرفان است
ـ آقای من ـ مقصود آنستکه نظریّات خود را از لحاظ محترم
گذرانیده در صورت صدق تصدیق فرمائید . نه اینکه چشم
پوشی فرموده با این درجه سهل انگاری مترصد تقنیع باشید
. تصوّر میکنم برای شما بهترین پاسخی است که بزودی اظهار
نخواهید فرمود

﴿ قس ﴾ راست است . ولی . ممکن است . مقصود .
مورد عروض مرگ باشد . یعنی . خواهی مرد وپایدار
نخواهی بود

﴿ عمانوئیل ﴾ این جواب را هم در کتاب الهدایه دیده
خلاف آنهم در توریة یافته ام میگوید . آدم را برای بقاء
نیافریده واز آن روز که سرشته شد دست تقدیر در جسم او تخم
فنا ونیستی کاشت . پس دارای حیوة ابد نبود تا خوردن ثمره
علت عروض مرگ شود . بلکه مبادا از درخت حیوة خورده
وزندگانی پایدار نماید سیاست الهیّه اورا از بهشت خارج
نمود . خاتمه باب ۳ مراجعه شود

قرآن کریم

﴿ قس ﴾ قرآن ذکر بعضي قصص توریة را مینماید . ببینید آیا در اینقسمت باتوریة موافق است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ قرآن همین قصه را تکرار فرموده و واقع گوئی مینماید . نمیگوید آدم قبل از خوردن از شجره عارف نیك و بد نبوده خداوند اورا بمرگ ترسانید . آیهٔ ١١٥ تا ١٢٠ سورهٔ « طه » تذکار میدهد « خداوند آدم را از عداوت ابلیس واخراج بهشت آگاه فرموده واز مشقت دنیوی ترسانید . وفرمود در بهشت گرسنه وعریان وتشنه وگرفتار حرارت آفتاب نخواهی شد . آیه ١١٨ سپس ابلیس وسوسه نمود اظهار داشت . دلالت نمایم تورا بردرخت جاوید و (ملك لا یبلی) - آیه ١٩ سورهٔ اعراف « وگفت » « یعنی ابلیس » نهی نکرده است شمارا خداوند از این درخت مگر اینکه دوملك بوده یا پایدار مانید . پس دلالت نمود آنهارا بفریب وکذب » . آقای قس . قرآن هم نفرموده . آدم وزنش عارف نیك وبد نبوده از برهنگی خجالت نمیکشند . بلکه آیه ٢٦ سورة اعراف متذکر است قبل از خوردن از درخت لباس داشتند سپس از تن انها بیرون آورد — قرآن واقع گوئی مینماید . کذب

وخدعه را بشیطان نسبت میدهد (هر جا که حقیقت است گفتار خدا است)

﴿ قس ﴾ تمامی این گذارشرا در قرآن دیده وسنجیده ام

﴿ الیعازر ﴾ اقای قس . کدام یک را تصدیق کنیم . قرآن . یا توریة

﴿ قس ﴾ « پاسخ مطلب گذار مانده » هر وقت فکری صاف یافتم خواهم گفت . ای عمانوئیل . « برخوان که حقیقت است تابان »

﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾

(عمانوئیل) خواندم عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳ « واو » آدم » صوت خداوند خدا را شنید که در هنگام وزیدن نسیم روز در بهشت میخرامید . وآدم وزنش خویشتن را از حضور خداوند خدا درمیان درختان بهشت پنهان کردند ۹ خداوند خدا آدم را ندا درداد و گفت کجا هستی ۱۰ او گفت چون آواز تورا درباغ شنیدم ترسان گشتم زیراکه عریانم پس خود را پنهان کردم ۱۱ گفت تورا که آگاهانید که عریانی آیا ازدرختی که قدغن کردم که ازآن نخوری خوردی » ـ یکمرتبه بی اختیار

گفتم افسوس . افسوس . آه . آه . (کین جمله تمام حیرت آور باشد)

(الیعازر) ای عمانوئیل . وسوسه شیطانیه ات بازگشت نمود . بیانات پرت واظهارات بچسب میداری

(قس) . الیعازر . ازینگونه مذاکرات خودداری کرده وپسرت را بحریت خود بازدار (هر که تشکیکی کند چاره بجز برهان نیست)

(عمانوئیل) . اقای قس . توریة میگوید خداوند جسم است . میخرامد . برای او صوت میباشد . آدم ازاو پنهان میباشد . بآدم میگوید کجا هستی . تورا که فهمانید که عریانی . مگر از آن درخت خوردی

(قس) این جمله کلام نبوی است ودران مسامحه گردیده . وقت دیگر علت را توضیح میدهم

(عمانوئیل) مگر کلام نبوی بر مضامین پست ونامعقول جاری میشود ؟ شایسته علم . ادب . جلال خداوند . شرافت نبوت است تا در اینگونه مسامحه شود ؟ . باانکه . (شایستهٔ گفتار ادیبان هم نیست)

﴿ قس ﴾ امید است « مفهم شوی از کلام یزدان »

خداوند است قادر یکتا

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲۲ تا ۲٤ باب ۳ « وخداوند خدا گفت همانا آدم مثل یکی از ما شده است که عارف نیک وبد گردیده اینک مبادا دست خود را دراز کند واز درخت حیوة نیز گرفته بخورد وتاابد زنده ماند ۲۳ پس خدا اورا از باغ عدن بیرون کرد . وبطرف شرقی باغ عدن شمشیر آتش بار که بهر سو گردش میکرد قرار داد تا طریق درخت حیوة را محافظت کنند — اعداد مذکور خاتمه یافت بی اختیار توریة را بسر میز انداخته وگریه کنان برخواستم آه آه تا کی تا چند بواسطه این سؤالات وحشت انگیز پدرم را اذیت دهم . نه . نه . ساکت شوم . (بگذار که دل بسوزد ازغم) . کاش نخوانده بودم

(قس) نظریات خود را در این چند شماره اظهار دار . چیست . چیست ؟ من ضامن رضایت پدر بزرگوارت میباشم . واو از شما ایمان گوارانه نمیخواهد «معذوراست» زیرا بواسطه اشتغال بتجارت . وقلت ممارست بعلوم وکتاب مقدس بمواقع سؤالات علمیه شما نمیرسد . انصاف دهیم . حق دارد . این

اعتراضات بزرگ شما بدو باب کوچک توریة شخص غافل را عصبانی مینماید

﴿ عمانوئیل ﴾ معذورم دارید . مدّتیست توریة را بتفهم وتعقّل خوانده دچار حملات اشکالهای پی در پی بودم . وکسی هم جلوگیر یارافع آنها نبود . اینك بصحبت حضرت قس موّفق گردیده ومترّصد است بزودی برطرف شوند . اگر مدّت زمانی باظهارات علاقه مند برسند حقائق پوشیده خود دراعریان جلوه خواهند داد . چکنم پدر بزرگوارم این پیش آمدیك را تقدیر نداشته . منهم احترامات اورا کاملاً منظور میدارم . چاره چیست ؟

(الیعازر) عزیزم . اندوه وگرفتگی شما برمن بسیار سخت ودشوار است . میترسم این شکوك از ضلال اوهام بوده وبالأخره سوء نتیجه بخشد . غیرازانکه کمال وثوق را مراقبت حضرت قس داشته ودارم . امید است از شطحات کلام ویاوه سرائی شما را بازداشته بساحت حقیقت وراستی سوق دهد

(عمانوئیل) بفرمائید مقصود توریة ازعدد ۲۲ همانا آدم مثل

یکی ازما شده که عارف نیك وبد گردیده چیست ؟ « ما » چه کسانند ؟ مشاهده نمیفرمائید توریه تصریح بتعدد آلهـة مینماید در اصـل عبرانی است « یامر یهوه الوهیم » گفت یهوه خداوندان ـ مگریاء ومیم در لغت عبرانی علامت جمع نیست ؟. حاصل . آنچه از این چند شماره استفاده گردیده آن است . خداوند جلّ وعلا آدم را مانند خود توانا وعارف نیك وبد مشاهده نموده ودر این امر عاقبتی وخیم دید . از نهضت واستقلال در سیاست او خائف گردیده . پیش بینی فرمود وشمشیر آتشبار چرخان را بر محافظت درخت حیوة گمارد « این گفته گر ازخدا است . برگو . برگو »

(قس) آهسته . آهسته . سخت باحرارت سؤآل مینمائی . اشکالات پی دربی . ایرادات سر ریز شما بدو کلمه برطرف خواهد شد

﴿ عمانوئیل ﴾ . پدر . منصفانه . اگر بتوریه ومندرجات آن سابقه نداشتید ودر محضر محترم اینگونه مضامین را بخداوند متعال نسبت میدادند آیا تکذیب نمیداشتید ؟

(الیعازر) توریة را کلام خداوند دانسته ولازم است از هر نوع اعتراضات چشم پوشي نمایم - نمیدانم در قرآن هم (قصه) بهمین اسلوب بیان گردیده است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ چندین مرتبه بان مراجعه داشته از این مندرجات شرك آور منزه است . موجود است مراجعه فرمائید

(الیعازر) ـ « خاموش . که بر تعجب افزود »

﴿ آدم وسر اندیب ﴾

(عمانوئیل) درجزیره سر اندیب کوهی است موسوم به (آدمس پیك)

(کوه آدم) ـ وبین این جزیره وقاره آسیا تلهای منتظمی است که ازعبور سفائن ممانعت مینمایندموسوم به (آدمس بریدج)

(پل آدم) ـ جهت چیست آنها را بآدم نسبت میدهند ؟

(قس) مسلمانان بنا برپیروی پیشینیان خود گذاشته ومیگویند — آدم پس از اخراج از بهشت بجزیرهٔ سراندیب هبوط نموده وسپس از ان تلهای منتظم بآسیا آمد آیا میتوان گفت این نسبت برای آنها بهترین تأیید تاریخی متسلسل است

(عمانوئیل) ـ حضرت قس ـ در صورتیکه اظهارات مسلمین مطابق باتوریة نبود آیا شایسته است اقوال آنهارا خرافی وافسانه شمرد !

﴿ قس ﴾ نه . نه . شایسته نیست ومگو

(الیعازر) ای عمانوئیل برخیز دراطاق شخصی خودقدری استراحت کن

ـ﴿ عمانوئیل وکتب ﴾ـ

(عمانوئیل) ـ برخواسته ولی دراطراف جواب اخیر قس دقت مینمودم تا برابر تخت خواب خود بروی صندلی نشسته بشکلی که تمامی مکالمات پدرم را باحضرت قس میشنیدم ـــ میگفت . ای حضرت قس گذشته از مجالست بامسلمانان از بیانات عمانوئیل وعاقبت او خائفم . روزی کتاب « اظهار الحق » را برابر اودیده که بانهایت دقت وفرط رغبت مطالعه مینمود ازاو پرسیدم این کتاب ازکیست ؟ گفت . دانشمندی بزرگ ازمسلمین ـ لذا دوستان خودرا ازاین پیش آمد سوء مستحضر نموده . گفتند . کتاب هاشم العربی . ترجمهٔ مقالات جرجیس سائل باتذییلات . کتاب الهدایه مطبوع بمعرفت

مرسلین امریکان . رحلة الحجازیّه بقلم غریب ابن عجیب برای او
خریداری نموده مطالعه نماید . خریده . ولی — متأسفانه
در او ابتهاج واقبالی بمطالعهٔ ان کتب ندیده وفقط وقت
مراجعه سر خودرا بشکل مخصوصی حرکت میداد وآهسته
زمزمه مینمود

(قس) خریداری این کتب برای او خارج از صلاح ومردمی
است . دارای تعصب وخلاف واقع وحق کشی میباشند بالنتیجه
— قرائت آنها « سوء نتیجه » خواهد بخشید

﴿ الیعازر ﴾ پس از چند روز نزد او کتبی دیده با کمال بشاشت
مطالعه مینمود پرسیدم از کیست ؟ گفت راستی تاکنون
دانشمندی در مسلمین بأین شکل عرض اندام نداشته .
وصفحات تاریخ عالمی باین درجه خوش محاوره نشان نمیدهد
ودر احبار یهود وروحانیهٔ مسیحیان هم شخصی مانند اینمرد
مطلع بکتب مقدسه نیست . . .

گفتم (تجدید بنه . زکیست ؟ درچیست) ؟ گفت ۲ جزء
الهدی — رسالهٔ « توحید وتثلیث » است . که درمقابل
اظهارات سوء هاشم العربی وجمعیت کتاب الهدایه وعبد

المسیح کندی . تألیف فرموده است ـ آقای قس ـ نمیدانم عاقبت این یگانه پسر عزیزم بکجا میرسد گویا همین قسم است که می بینم . نزدیك است دیانت مسیحیه را گذاشته و دین وحشي وثني اسلام را استقبال نماید

﴿ عمانوئیل ﴾ شنیدم . گفت نه نه ای الیعازر نمیتوان گفت دین اسلام وحشي وثنیست . درجواب او پدرم گفت پس تکلیف من با عمانوئیل چیست ؟

﴿ قس ﴾ ای الیعازر پسرت دارای افکار روشن وتنبهات سودمند است وبروی اساسي متقن واصلی ثابت تکلم مینماید . در بند تقلید وفشار تعصب نیست علاقه مند بافکار مردمان امروزه نمیباشد . در محیط تخمین ومخالفت برهان سیر نمیکند (چنانچه این مکروب روحی تمام نقاط اروپا را فرا گرفته است) . بگذار در اطراف افکار خود سیر کند ـــ خوش باش قائل بمؤثری حکیم وموجدی مختار برای عالم است . تدین بألهیت اوّلین قدم وتدّین اساسی است . امّا اذعان بانبیاء دومین قدمیست که شخص برداشته ودر فضای تکامل قدم میگذارد ـــ حال لازم است بدؤاً امر اقدام نموده ونجات

پسرت را خواستارشوی (۱) امور کاری دانشمند. بااطلاع خوش محاوره . دور از تعصب . حق بین . منصف ـ برای او تهیه نمائی « ۲ » دست برکت براو گذاشته تاروح القدس دراوحلول نماید ومکنونات را براوابرازدارد

(الیعازر) واقع گوئی نایم شخصی که جامع این اوصاف وشایسته این مقام باشد (نیست غیراز تومگر لطف توگیرد دستم) — امید است سپس هم جالب توجه عموم مسلمین گردیده وبا فرط رغبت خود را در جمعیت مسیحیان معرفی نمایند

(قس) ای الیعازر — نشنیده ام تاکنون دعوت مرسلی مسیحی درمسلمانان تأثیری حقیقی نماید (جالب توجه است) ـ باآنکه درهندوس مبشری از مسلمانها نیست ومبشرین مسیحیان بایک ملاطفات سرشار وعنایات صحیه ونشر کتب مقدسه بزبان آنها وموافقت در امر ثالوث واقانیم وتجسد أله باتأیید شایانی که بسلطهٔ سیاسیه دارند . موفقیتی حاصل نموده وهندوسیان دسته دسته مسلمان میشوند وتاکنون توجهی بدیانت مسیحیه نداشته اند وهمین شکل درسوادان

افریقا هم موقفیت بامسلمانها است . آیا این امر جالب توجه نمیباشد ؟ !

(الیعازر) سبب چیست ؟

(قس) « بگذار ندانیم سر آن را که ندانیم »

(عمانوئیل) کلمات پدرم وحضرت قس را میشنیدم - وبیانات قس در ضمیر من اثرات نیك وفوائد صالحهٔ ودیعت میگذاشت — برخواستم — مجدداً برانها وارد شده وبعادت سابقه خود نشستم

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل — بخوان

﴿ پسران آدم . توریة . خلل تراجم . تحریف ﴾

(عمانوئیل) خواندم - خواندم تا عدد ٨ باب ٤ دراصل عبری است « ویامر قاین ال هابیل اخیو . ویهی بهیوتم بشده . ویقم قاین ال هابیل اخیو ویهرجو » — ترجمه حرف بحرف) . گفت قائن بهابیل برادرش . و بود ببودن آنها بصحرا . و برخواست قاین برهابیل برادرش وکشت اورا

بفرمائید مقصود ازاین جملات بریده چیست ؟ چه گفت قائن به برادرش ؟ — چه بود ببودن انها بصحرا ؟

(قس) — بحواشي مراجعه كنيد

﴿ عمانوئيل ﴾ درحواشي اشاره بشمارهٔ ٨ نكر ديد مگر (بلا پاسوقا) « ٢ »

حضرت‌قس . حواشي بيموضوع است . يعنى ميفرمائيد خداوند ازانزال توريه پشيمان شده وسپس حواشي را فرستاد

﴿ قس ﴾ ازتراجم چه موجود است ؟

(عمانوئيل) — ده نسخه — ٤ فارسي - ١ - ترجمه براون چاپ لندن سنة ١٩٠١ — ٢ — چاپ رچارد واطس لندن سنة ١٨٣٩ — ٣ — چاپ وليم واطس لندن سنه ١٨٥٦ — ٤ — چاپ تومس كنستيل ادن برع س ١٨٤٥ - عربى - ٥ - چاپ وليم واطس لندن س ١٨٥٧ مطابق بانسخهٔ روميهٔ عظمى س ١٦٧١ . — ٦ — موافق در ترجمه فقط ورقهٔ اولش افتاده گويا چاپ بيروت است — ٧ — درتوزس ١٨٧ قطع صفحات آن خاتمه يافته است — ٨ چاب ٨ در مطبعه امريكانى بيروت س ١٨٩٧ — ٩ — چاپ ١٢ — س ١٩٠٥ - ١٠ - چاپ دى سارا هوجسون س ١٨١١

﴿ قس ﴾ - تراجم مزبوره دراينجا چه متذكرند ؟

(عمانوئیل) - ۲ - وقاین برادر خودرا گفت (که یا) دراین
صورت « که یا » اضافه گردیده . وسایر کلمات هم برای
افادهٔ تحریف شده است - ٥ - وقال قاین لهابیل اخیه لنخرج
الی الحقل ولما صارا فی الحقل قام قاین علی هابیل اخیه وقتله
— ٦ — وقال قاین لهابیل اخیه تعال نخرج الی الحقل - پس
. لنخرج الی الی الحقل — تعال نخرج الی الحقل — را افزوده
وبقیه را نیز تحریف داشته اند — *ز شاید که بدینوسیله معنی
نخشد)* - ۱ - ۳ - ٤ - ۷ - ۸ - ۹ — وکلّم قاین هابیل
وحدث اذا کانا فی الحقل ان قام قاین علی هابیل اخیه فقتله —
قال . که ترجمة . یأمر است . به . کلّم . ترجمه . یدّبر .
تحریف وتبدیل نموده « وأنْ » را هم برای تعدیل کلام گذاشته
اند .. ولی — ۱۰ — ازاین تکلف خودداری کرده بدبختانه
ازهر طرف بازمانده است — میگوید — وقاول قاین
هابیل اخاه — مراجعه فرمائید — تحریف داشته وکلام هم
بهمان حال باقیست — زیرا قائن با برادر خود چه مقاوله
داشت ؟! (سرّ مطالب) آن است که دراصل عبری خالی دیده
ودراصلاح ان کوشیده اند . ندیده . رسیده . نسنجیده اند ..

« گفتار خداوند . نه بازیچه ما است » اگرچه ممکن است چون نسخهٔ سامریه ویونانیه دارای این زیاده بود آنها هم متابعت نموده اند ـ آیا اینهم عذر میشود ؟

(قس) مضحك است . میگوئید توریه غلط نازل شده وسپس تصحیح ان برکاتب سامری واگذار گردید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ ـ آیا میفرمائید خلل در اصل عبریست ـ پس بفرمائید جهت چیست ؟

(قس) حال بگذار . چه گویم بتو . خواهی دانست . بخوان الیعازر بشنود .

﴿ الهدایه . وصدق . وامانت ﴾

(عمانوئیل) ذکر قاین وهابیل یادآوریم نمود صفحه ٤۲ جزء ۲ طبع ۲ (الهدایه) را ازلحاظ محترم گذرانیده کذب وخیانت نویسندگان این جمعیت را بعرض رسانم میگویند ـ قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدم شمرده بمناسبت هابیل قابیل میگوید ـ (آقای من) اشخاصی که برضد مسلمین وکتاب انها عرض اندام کرده ودر عالم دیانت نماینده گان مسیحیانند نبایست بدون مراجعه وتأمل اظهاری داشته کذب

وخیانت خود را ثابت دارند . ونظر بهمین اعتراض چندین مرتبه بقرآن مراجعه نموده لفظ هابیل وقابیل نیافتم

(قس) تعصب بیش ازاین دنباله دارد ـ این اشخاص را بحال خود گذاشته صدق وامانت را از دست مده

﴿ بابل — اختلاف لغات ﴾

(عمانوئیل) خواندم باب ۱۱ عدد ۵ ـ ۶ ـ ۷ ـ ۵ وخداوند نزول نمود تا شهر و برجیرا که بنی آدم بنا میکردند ملاحظه نماید ۶ وخداوند گفت همانا قوم یکی است وجمیع ایشانرا یکزبان واین کار را شروع کرده اند والآن هیچ کاری که قصدان بکنند از ایشان ممتنع نخواهد شد ۷ اکنون بیایید نازل شویم وزبان ایشان را مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند ـ توریة را تبسم کنان مقابل خود گذاشته ـ وبا یک حالت مخصوصی بطرف قس وپدرم نگریستم

﴿ الیعازر ﴾ — فرزند — نظریات خود را اظهار دار — بدل میپیچ

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا خداوند برای مشاهده بابل محتاج بنزول میباشد ؟ ـ وبا این همه بسط قدرت اختلاف لغات را متوقف

بنزول خود میداند ؟ ! ـ بفرمائید بچه اشخاص گفت بیایند فرود آئیم ؟ . وبر تهدید مملکت خود بکه استعانت برد ـ ؟

﴿ قس ﴾ سابقا ـ اظهار داشته واعتذار نموده ام که توریة دارای بیانات وحشت انگیز وتعبیر نفرت آور است . بزودی نفرت مورزید ــ

(عمانوئیل) معروف است (که با مشکل نشاید حل مشکل) تصور مینمائیم بزودی مبادرت بجواب نخواهید فرمود ـ میدانم ـ برای شما بهترین پاسخی است که با علاقه مندیهای زیاد بدیانت مسیحی سبقت باین نخواهید داشت ــ گویا ــ مترصد بدست آوردن فرصتید ـ ولی ـ لب کشا ـ پرده در ـ افسانه مگو ــ بی ثمر است

﴿ قس ﴾ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

ــ﴿ آتش نمرود ــ ابراهیم پیغمبر ﴾ــ

﴿ عمانوئیل ﴾ مسلمانانرا اعتقاد آنستکه بت پرستان در بابل آتشی آفروختة وابراهیم را در آن انداختند ولی آتش اثری نبخشیده وبراو برد وسلامت گردید ـ آیهٔ ۹۵ ـ ۹۶ ـ سورهٔ صافات ۶۸ ــ ۷۰ ــ انبیاء ــ متعرض است ــ مجد

خداوندی ـ وشرافت نبوّت را کاملا تذکار میدهد ـ جناب قس ـ با انکه این پیش آمد بزرگترین وقعه است که در دوره زندگانی ابراهیم روی داد چرا توریة اشارهٔ بآن نفرموده است ـ وآیا ـ چون توریة دارای این قصهٔ نیست ـ خرافی وافسانه خواهد بود ؟

﴿ قس ﴾ نه نه ـ زیرا اغلب گذارش وامور مهمه را در تاریخ نبوی ـ خصوص تاریخ ابراهیم ـ اهمال نموده واینمطلب را کاملا ازعهد جدید استکشاف میداریم ـ چنانچه توریة نمیگوید که (موسی در وادی طوری دراوّلین تکلیم بلرزه در آمد) با انکه در اعمال رسولان باب ۷ عدد ۳۲ ـ است که (موسی بلرزه درآمد وجرئت نکرد نظر نماید) ـ ولی متعرض نیست ـ که موسی در دوّمین تکلیم در طور سینا گفت، (بغایت ترسان ولرزانم) با انکه عدد ۲۱ باب ۱۲ — رساله عبرانیان — متذکر است (انصاف دهید) ـ ذکر ترسش ولرزش موسی درآن حال عظمت ومجد خداوندی را بچه درجه محسوس میدارد — آیا ذکر اینگونه گذارش لازم نیست ؟ — ذکر عادیات براینها مقدّم است ؟ نیز عدد ٤ باب ۹ ـ رساله عبرانیان ـ در تذکار

تابوت شهادت میگوید درآن حقّه طلا که پراز منّ بود وعصای هرون که شکوفه بادام آورده بود . ولی توریه در محتویات تابوت ـ از حقّه طلا ومن وعصای هرون ذکری نداشته وامریکه نمونه معجزات ویادگار مجد نبوّت است اهمال نموده است (توریه) عدد ۱۸ ـ ۲۲ ـ پیدایش ـ ذکر دوره زندگانی ومولودهای پی در پی اخنوخ راداشته ـ ولی از موت وگفتار نبویش که مهم ترین گذارش او است خود داری مینماید . بلی عدد ۱٤ رساله یهوذا بأین مطلب اشاره میکند . ای عمانوئیل . توریه ذکری از مهم ترین گذارش ابراهیم وتاریخ حیوة . ونبوت . وایمانش در بین النهرین (۱) نداشته . فقط میگوید ـ در حرّان خداوند با ابراهیم سخن گفت واز ان مکان مأمور بخروج گردید ـ . . آیا عدد ـ ۲ ـ ۳ ـ ٤ ـ باب ۷ ـ « اعمال رسولان » را ندیده اید ؟ که ـ ۲ خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه در بین النهرین بود قبل از توقفش در حرّان ۳ وبدو گفت از وطن خود وخویشانت بیرون شده بزمینی که تورا نشان دهم برو ٤ پس

---

(۱) دجله وفرات وطن ابراهیم مابین (کوفه وبصره) است

از دیار کلدانیان روانه شده در حرّان درنگ نمود و بعد از وفات پدرش اورا کوچ داده بسوی این زمین که شماها الآن دران ساکن میباشید - ای عمانوئیل — گفتارهای طولانی توریة با بنی اسرائیل در وعظ و ترهیب و ترغیب و بشارت و تخویف است - ذکری از پاداش وحشر بندکان و بهشت و جهنم . نفرموده و در معارف آلهی و تعلیم دینی و سیاست مدنی . نداده است — نهایت ترغیب — فراوانی گندم و شراب کشمش . و نهایت تخویف . کمی گندم و شراب . ووطی دیگران با زن گنه کاراست (ای عمانوئیل) جمعی با تو همدرد وهم آوازند — « ولی برای توریة عذر بزرگیست » مضحك است که - شیخ غریب - در « رحلة حجازیّه » صفحهٔ ۶۸ اظهار عقیده نموده . بیگویاد - توریة تمامی احوال و گذارش ابراهیم را ذکر فرموده وذرّهٔ فرو گذار نیست

(عمانوئیل) . فرمودید . برای توریة در اهمال اینگونه گذارش عذر بزرگیست (بفرمائید) باانکه برجسته ترین وقایع تاریخی بشمار میرود از تذکار آن وتذکار سایر حقایق مهمه (اموریکه

خوانده ومتحیرید ومیخواهید بر تحیر شما افزوده خواهد شد)
چشم پوشي نموده است — عذر توریة چیست ؟
(قس) « خود نگویم بتو ـ تا خود بخود افشا گردد »
(عمانوئیل) « پرده بردار . عیان گوی . حقیقت نمای »
(قس) بتدریج خواهی دانست . عجلة مکن
(عمانوئیل) . آیا . انچه قرآن در قصهٔ ـ ابراهیم وآتش ـ گفته معقول است

﴿ قس ﴾ . تعجب است ـ گویا ـ باب ٣٠ کتاب دانیال » رانخوانده — جماعتی که بامر بختنصر . شدرك . ومشیك . وعبد نغو رادر لباسهای خود پیچیده در آتش انداختند تمامی از شدت حرارت سوخته ولی انها پس ازمدتی از آن آتش افروخته بیرون آمده . وموئی ازسر آنها نسوخته وجامهٔ انها هم تغییر نکرد ونجات یافتند . ای عمانوئیل کتب یهود ذکر ابراهیم وآتش را نموده وبرای ان اثری تاریخی وتذکاری روشن است

﴿ اثری تاریخی وتذکاری روشن ﴾

شهر بورسیبا درنواحی بابل است که دراین عصر انرا برس مینامند

بورسیبا لفظی است آشوری - یعنی . برج لغات - ونظر بر
اینکه در این قسمت اختلاف لغات گردیده این اسم را تذکار
نهاده اند لذا آثاری کهنه وشهری دیرینه است وانمطلب را از
کتابت بختنصر که سنهٔ ۱۸٤۵ درخرابهای برج بورسیبا یافته
اند کاملاً استکشاف میداریم — نوشته است — بانی این
برج اوّلین ملوك . و - فاصله بین او وبختنصر ٤۲ زمان است
- وتاکنون دربورسیبا آثار کهنه است که قصهٔ ابراهیم وآتش
را بما نشان میدهد -*(درمحلیکه نمرود طرح آتش ریخت)*-
قبّه است بر تلّی بزرگ سیاه وخاکستری . که بمرور ایّام
پوسیده ومتغیر گردیده است) آیا این تذکار تذکار تاریخی
نیست ؟ گذارش پیشین را بچه نحو میتوان بدست آورد ؟

(عمانوئیل) ممکن است . این تل از آثار آتش فشان بوده وسپس
خاموش گردیده است

(قس) خیر - زیرا — ۱ — محل آتش فشان کوه . یا —
برآمده گی زمین است . ودر بورسیبا سوای ان تل خاکستری
اثر دیگری نیست - ۲ - ودر صورتیکه قبل از طوفان بوده
بدیهی است طوفان اثر انرا محو مینمود - یا بعد - پس تواریخ

همچو آتش فشانیرا ذکر میداشتند . . . ـ دیگر آنکه ـ بین
طوفان و بنای بورسیبا مدت زمانی نبوده است و دراینصورت
چگونه بوسیبا وهیاکل بتان را در اطراف آتش فشان بنا
مینمودند ـ اگر هم ـ خاموش بود پس « عمران » این منظره
زشت را باقی نمیگذاشت — این است بابلیان بر پرستش
و بزرگترین خدمات خود تذکاری نهاده ودر برابر بتهای
خود این اثر را گذاشته اند

﴿ اضطراب نسخ تورىة . وانجیل درنسب ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۱۲ باب ۱۱ پیدایش « ارفکشاد
سی و پنجسال بزیست شالح را آورد » ـ با انکه ـ باب ۲
عدد ۳٦ انجیل لوقا (قینان را بین شالح وارفکشاد واسطه
قرار داده است ـ میگوید ـ شالح ابن قینان ابن ارفکشاد
ـ و بهمین قسم تورىة سبعینیة ـ بلکه تصریح بمقدار عمر قینان
قبل از ولادت وبعد از ولادت شالح نموده است ـ آیا ـ نقصان
از تورىة عبرانیه وتراجم است . یا . زیاده از لوقاء وتورىة
سبعینیه ویونانیه ؟ — درهر حال — اینگونه اختلافات برای
ما سوء انعکاسی خواهد بخشید ـ چون وبال تکذیب هریک

برما است

(قس) — جزء ۳ صفحهٔ ۲۱۲ (الهدایه) اعتذاری ازاین اختلاف خواسته . مراجعه نموده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ نویسندهٔ ۱ « الهدی » کاملاً دراینموضوع هم بحث فرموده اند آیا جزء ۲ صفحهٔ ۳۶ — ۳۸ آنرا مراجعه فرموده اید ؟

(قس) اعتراضاتش را دیده و . با کمال دقت سنجیده أم — (گویم آنراکه تو گوئی اگرم فرصت بود) — ولی — « مجد مکتوب به از مدح نویسنده بود » .

—﴿ خیر مقدم ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ دراین اثناء یکنفر از علماء نجف بما وارد شده وبر عدهٔ ما افزود —

﴿ عالم ﴾ . جناب قس — آیا روحانیین نصاری بکتب عهد قدیم وجدید مراجعه مینمائید ؟ — . ودرصورت مراجعه — آیا بصرف مترجم اکتفاء نموده یاباصل عبری هم مراجعه میکنند ؟

﴿ قس ﴾ — بدیهی است اصل عبرانی راهم میخوانند — آیا

ممکن است علماء مسلمین قرآن را بلغت اصلی خود مراجعه ندارند؟

(عالم) تعجب است . زیرا اغلب را دیده ام . گویا . مندرجات عهدین سابقه نداشتند

﴿ قس ﴾ — از روحانیین ما ؟ — شایسته نیست که در عدهٔ روحانیین شمرده شود . . .

(عالم) اشخاصیکه در نظر است - - هاشم العربی — جمعیت الهدایة ـ مرسلین امریکا بمصر .

« قس » ، چگونه ممکن است ـ این اشخاص ـ علمائی هستند که سرقدم ساخته برای دعوت وجلو گیری از حملات مسلمین عرض اندام نموده اند . لذا — از طرف مسیحیین موظف گردیده کتب ونشریات آنهارا تقدیس وتقدیر مینمایند . . .

﴿ عالم ﴾ ـ در توریة ندیده اند ، عدد ۱۳ باب ٤٦ ـ پیدایش متذکر است ـ که شمرون یکی از اولادهای یساکر ابن یعقوب میباشد وعدد ـ ۲۳ باب ٤٦ ـ سفر اعداد ـ را مراجعه نداشته اند ؟　که عدهٔ زیادی از قبیلهٔ شمزون ابن یساکر باموسی همراه بود

— ﴿ سامری در عربی . شمرونی در عبری ﴾ —

(عالم) نسنجیده اند ، که سامری ، مذکور در قرآن نفری از شمرونیا نیست که باموسی همراه بود - وسامری تعریب شمرونی است . . . .

(قس) ازاین نکته غفلت نموده ندانسته اند . . . که سامری تعریب شمرونی است . . - وتوهم - نموده که سامری منسوب بشهر سامره است وانرا قریب به ۵۰ سال پس از سلیمان یکنفر از ملوك استرائیلیان « عمری » نام بنا کرده وبسامره موسوم داشت - پس : بنا وحدوث نسبت - ۵۷۰ سال پس از قصه گوساله است . .

- این است - جمعیت الهدایة درجزء ۱۰ ، صحفهٔ ۳۷ انرا تکذیب کرده ومیگویند (ذکر سامری درانموضع دلیل بر جهل تاریخ وعدم اطلاع بتوقیع بلدان است)

ودرجزء ۲ صفحهٔ ۵۵ تجدید مطلع داشته میگویند - که . در عصر موسی سامری یاسامره دربین نبوده واین از تخیلات بعیدهٔ مستحیله میباشد وتاریخ بنی اسرائیل باکه تواریخ عالم اقوی شاهد وبرهانند و (هاشم العربی) در تذییلات مستقله خود صفحهٔ ۵۵ اظهار میدارد (سامری) درعهد موسی

معقول نیست مگر پس از جلاء بابل کسی بأین نمط منسوب ومعروف گردد) ـ حضرت شیخ بدیهست . درصورتیکه سامری تعریب شمرونی باشد اثبات این مطلب اعتراض انهارا ساقط مینماید . .

﴿ عالم ﴾ . عجب ازتست . نه — از . . . . گویا تجاهل میفرمأیید ؟ مراجعه فرموده اید — شهریست که در لسان عرب به ـ سامره ـ مشهور ودراسفار . ملوك اوّل . ثانی — اشعیا — ارمیا — عاموس — میخا — عزرا ـ نحمیا ـ بیش از شصت مرتبه تکرار گردیده ودر اصل عبری — شمرون ـ است و (نیز) یونانی . انکلیزی . فرانساوی . و و و بالاخص تراجم . لوقا . یوحنّا . اعمال رسولان . . . ﴿ بجز اغلب تراجم فارسي وعربی ﴾ انرا — شمرونی — نامیده اند — بابن؟ی است سامری تعریب شمرونی است ودر . کره — شهری . یامحلی . یا شخصي — نیست که در عبری . انرا سامره یاسامری نامند — پس . « سامری » در قرآن شخصي منسوب بشمرون ابن یساکر است نه منسوب بشهریکه — عمری — بنانمود — لذا میگویم — « هر که

تکذیب کند بیهده تکذیبش کن » ـ بشنوند ـ (جاهل تمسخری
نکند جز بنفس خویش)

(قس) — قبل ازاین اظهارات بعهدین مراجعه داشته و در
اصـل عبری و سـایر لغات سوای بعض نسخ فارسی و عربی
— شمرون — نوشته اند بلکه در ترجمه . ولیم گلن . و بعض
تراجم قدیمهٔ عربی . هم تعریب نداشته و بلفظ اصلی خود ـ
شمرون — نوشته اند « حضرت شیخ » واضح است که
سامری تعریب شمرونی و « سامری » نفری از شمرونیانیست
که توریة اورا در عدهٔ قشون موسی میشمارد . — از تجربیات
این جمعیت و و و دلتنگ مباش ﴿ مجد قرآن تو . تکذیب
کند آنان را ﴾

—﴿ توریة . هارون . گوساله ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ . حضرت شیخ . ممکن است ، مهم در
انجام عرایض خودرا بایك حریت کاملی بعرض رسانم .

﴿ عالم ﴾ ازادانه مکنونات خودرا اظهار دار . .

(عمانوئیل) — قرآن متذکر است « سامری » که یکنفر از
شمرونیان واولادهای یساکر ابن یعقوب است گوساله

ساخته وبنی اسرائیل را به پرستش ان دعوت داشت — ولی
- در تورة باب ۳۲ « سفروج » نوشته است
پس از انکه در مراجعت موسی تأخیر افتاد بنی اسرائیل بهارون
اظهار داشتند « برای ما خدایانی سازتا برابر ما بخرامد » لذا
« هارون گفت گوشوارهای طلارا از گوشهای زنان ودختران
وپسران .خود را بیرون کرده وبیاورید . پس آورده وبرای
انها گوساله ساخت وبه پرستش ان دعوت نمود وسپس برای
اجرای رسوم عبادت قربانگاهی درمقابل گوساله مقرر داشته
وگفت « فرداحج کنید پروردگار خودرا » - حضرت شیخ
- هارون برادرموسی وازسبط - لاوی - است . وسامری
. از سبط یساکر ابن یعقوب ومناسبتی در بین نیست
﴿ عالم ﴾ عمانوئیل ، ازخال داخلی وخارجی تورة صرف
نظر کرده ودراین موضوع بوجدان خود مراجعه میداریم —
درصورتیکه هارون تأسیس شرك وبت پرستی نمود چگونه
خداوند اورا « پیغمبر » فرموده بدستورات مقدسه وحکم
وتوحید تکلم میدارد — گاهی است که باموسی در مقام
تکلیم مخاطب گردیده - وگاهی منفرد درمقام قرب وحی

آلهیه مفتخر است (باب ۱۱ - ۱٤) سفر لاویان ۲ - ٤ — ۱۸ — ۱۹ سفر اعداد ، مراجعه شود . وچگونه درحالتی که گوساله میساخت وبعبادتش دعوت میداشت خداوند اورا برای کهانت وامانت مقرر فرموده قبل ازاین ارتکاب و(بعد) بکراماتی سرشار اختصاص میدهد وبرای او رختهائی بیک طرز مخصوص دستور داده که پارچهٔ ان از طلاء لاجورد . ارغوان . قرمز وکتان نازک تابیده . زنگوله منگوله گردد و و و . وبرای تقدیس او دانایان را امر مینمود وبان خلعتش میفرمود باب ۲۸ و ۲۹ سفر خروج قصه را بیک اسلوب خاص بیان نموده جالب توجه است مراجعه فرمائید . ای عمانوئیل . - بین ان مکانیکه خداوند بموسی وحی کرده وهرون را تقدیس داشت وبکرامت وامامتش مفتخر فرمود وفرودگاه هارون واسرائیلیان مسافتی نبوده اگر درانحال ازاین اقدامات زشت بی اطلاع بود سپس چرا تقدیسش نمود ؟ واگرهم اگاه بود — چرا تقدیسش فرموده وچنین شخصی را بامامت وحافظ اسرار حکمت منصوب ومعرفی مینماید ؟ - (خائنان را نکنند محرم اسرار حکیم) . .

— ﴿ سلیمان — عهد قدیم ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ بدیهی است خداوند محیط وعالم است — ودرعدد ۷ و ۸ تصریح میفرماید ۷ خداوند بموسی گفت روانه شده بزیر برو زیرا که اینقوم که از زمین مصر بیرون آورده فاسد شده اند ۸ وبزودی ازآن طریقیکه بدیشان امر فرموده ام انحراف ورزیده گوساله ریخته شده برای خویشتن ساخته اند ونزدان سجده میکنند — ولی — حضرت شیخ انچه از کتب وحی خود استفاده میدازیم . شرک درقداست انبیآء مضر نمیباشد (چنانچه) کتب مقدسه متذکرند ـ خداوند سلیمانرا پیغمبرفرموده واسفارحکمت وجامعه ونشید. براو وحی نمود ـ وبتعمیر بیت المقدس سر افراز فرمود (که بدستهای خودت نه پدرت (باانکه پدرش تصمیم براین امرداشت) خانه رابساز ومجد خود را براواظهار داشته بداود گفت (سلیمان کسی است که خانه من وصحنهای آن رابنا خواهد نمود زیرا که اورا به پسری خود اختیار کرده ومن پدراو خواهم بود) عدد ۶ باب ۲۸ کتاب اوّل تاریخ ایّام مراجعة شود . وقریب باین مضمون هم در باب ۲۲ کتاب مزبور . و باب ۷ سفر

صموئیل ثانی) است - ولی - باب ۱۱ کتاب اوّل پادشاهان
سلیمان را یك نفر مشرك گمراه معرفی میدارد - که سلیمان زنهای
مشرکه را تزویج داشت ٤ و در وقت پیری سلیمان واقعشد که
زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند و دل او
مثل دل پدرش داود با یهوه خدایش کامل نبوده پس سلیمان در
عقب عشتورت خدای صیدونیان و در عقب ملکوم رجس
عمونیان رفت ٦ و سلیمان درنظر خداوند شرارت ورزیده مثل
پدر خود داود خداوند را پیروی کامل ننمود ۷ انگاه سلیمان
در کوهیکه روبروی اورشلیم است عمارتی بلند بجهة کموش
که رجس موآبیان است و بجهت مولك رجس بنی عمون بنا
کرد ۸ و برای بتهای زنان خود مانند آن عمارت بنا نمود (کتب
وحی ان عمل زشت را مکرّر بسلیمان نسبت میدهند)
ونیز - درعدد ۱۳ باب ۲۳ . کتاب دوّم پادشاهان است . .
« حضرت شیخ » بنا براین اشخاصیکه در یك قسمت ازدورهٔ
زندگانی خود مشرك میشوند مخصوصاً خداوند آنهارا به پیغمبری
مبعوث خواهد داشت - پس - حال هارون و سلیمان باخدای خود
یکی است وفرق در بین نیست

(عالم) خوبست بحث را بحال خود گذاشته ومطلب را بیك طرز بسیار ساده تقویت نمائیم (شخصي عازم مسافرت است) وبرای سرپرستی زنان ودختران وخواهران خود درصدد انتخاب وکیلی است که اضافه بر تعلیم اخلاق . « عفت وحیا » حفظ ناموس وشرافت اورا نموده جلوگیر ازافساد بدکاران وبی پرده گی آنان هم بوده « سوء نظری دراطراف این وکالت اعمال ندارد » —

حال ممکن است زنیکه میداند درآتیه نزدیکی زانیه خواهد شد وخانواده اورا هم بزناء وادار خواهد نمود برانها گماشته ومسافرت نماید ؟ مخصوصاً درصورتیکه بداند این زن بی شرمانه بر زناء وهرگونه ترغیب بسوء مداومت کرده وبالاخره فامیل اورا تسکین میناید دراین صورت چگونه چنین زانیه را تمجید داشته وبامانت معرفی میدارد —

﴿ عمانوئیل ﴾ . بدیهی است مردمان عادی هم باو تامین نخواهند داشت . . .

(عالم) پس چگونه خداوند . عالم . حکیم — شخصي — شرور ومشرك را بصلاحیت ودرستی به بنده گان معرفی

فرموده ـ واجرای احکام واصلاح . وشریعهٔ مقدسه را
ازاو مترصد خواهد بود . آنهم بسوء سریره خود تظاهر
نموده ومردمان را بپرستش گوساله مصنوعی دعوت نماید
یا بتکده ها بسازد

(عمانوئیل) . راست وروشن است که اینگونه متناقضات
کتاب آسمانی نبوده . مجد خداوندی . حکمت الهیه .
شرافت نبوت . با این مندرجات شرک آور ذرهٔ ساز گار نیست
. بلکه . بقلم یکنفر مؤمن عارف هم تحریف نگردیده است

(الیعازر) . حضرت شیخ ـ آیا قرآن شما ذکری از هرون
وپرستش گوساله میکند ؟

(عالم) — قرآن آیهٔ ۹۲ طه و۱٤۹ (اعراف) تذکار براین
قضیه فرموده هرون را منزّه ومبرّا میشمارد درسورهٔ طه
(ولقد قال لهم هرون یا قوم انّما فتنتم به « یعنی العجل » وانّ
ربّکم الرّحمن فاتبعونی واطیعوا امری قالوا لن نبرح علیه
عاکفین) ودرسورهٔ اعراف (إنّ القوم استضعفونی وکادوا
یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء ولا تجعلنی مع القوم الظالمین)
میفرماید — هرون هرچند قوم خود را ازاین اقدام نهی نموده

باطاعت وپرستش خداوند دعوت میداشت در انها تاثیری نداشته وبقتلش تهدید مینمودند لذا درمقام تضرّع برآمده وبه موسی بیان حقیقت مینماید — کجا قرآن میفرماید .
« هرون عبادت گوساله نمود ؟ » ؟

—﴿ کتاب ثمرة الأمانی ﴾—

(الیعازر) قرآن را تاکنون ندیده ام وفقط دراین موضوع بر کتاب ثمرة الامانی چاپ مطبعهٔ امریکائی ببولاق مصر سنهٔ ۱۹۱۱ اعتماد نموده ام صفحهٔ ۷۹ انرا مراجعه فرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ من هم این کتاب را دیده ام . گویا . روایت بعض مبشرین است که بساحت قرآن افتراء زده اند . ودر صفحهٔ ۷۸ هم نیز افترائی شرم آورزده ومیگویند در قرآن است « که داود میش برادر خودرا گرفت وابراهیم بت پرست بود » — پدر — قرآن موجوداست آیهٔ ۲۲ و ۲۳ سورهٔ صٓ مکیّه قصهٔ قضاوت داودرا تذکار داده وسورهٔ بقرة آیهٔ ۱۲۹ آل عمران ۶۰ و ۸۹ وانعام ۱۶۲ ونحل ۱۲۱ و ۱۲۴ پی در پی ابراهیم را ازشرك منزّه میشمارد (وما كانَ منَ المشركينِ) خوانده است

(اليعازر) چگونه ميگوئيد كتاب ثمرة الامانى روايت بعض مبشّرين است باآنكه اين كتاب را مندرجه حقيقت دانسته ودر پشت آن كتاب نوشته اند (حق از روايت دورتر)

(عمانوئيل) . پدر . بنا بر اين اظهار علّت چيست چندين مرتبه بقرآن نسبت كذب داده اند ؟ . (خوب) از مضادة آنها با قرآن چشم پوشي مينمائيم . بفرمائيد . چرا بتوريةٔ خود نسبت دروغ داده ؟ وميگويند توريةّ از تكرار اسم خداوند نهى نموده است صفحهٔ ٨٣ و ٨٤ ثمرة الامانى مراجعة شود - پدر . توريةّ عدد - ٧ باب ٢٠ سفر خروج وعدد - ١١ باب ٥ سفر تثنية اصل عبرى متذكر است « لا تشاأ ات شم يهوه الهيك لشوأ كى لا ينقه يهوه ات اشير يشاأ ات شمو لشوأ » ﴿ پدر ﴾ باآنكه نويسنده گان در ترجمهٔ اين كلام اضطرابى شديد نموده اند . از كلمات مضطرب آنها هم نهيي از تكرار اسم خدا در عبادات استفاده نميتوان داشت . چنانچه در بعض تراجم است « سوگند مخور باسم پروردگار خداوندت دروغ بدرستيكه پروردگار تزكية نميكند كسيكه قسم بخورد بنامش دروغ » ترجمهٔ ديگر منقول ثمرة الامانى « نطق مكن بنام پروردگار

خداوندت باطل بدرستیکه مبرّا نمیکند کسیکه نطق نماید نامش باطل » ولی ترجمهٔ حقیقی « قصد مکن نام یهوه خداوندت را بسوء بدرستیکه خداوند مبرّا نمیکند کسیکه قصد کند نامش را بسوء » ـ پدر ـ گویا نویسندهٔ این کتاب در مزامیر منسوبه بداود مراجعه نداشته ؟ وفضل تسبیح وادمان ذکر خداوندرا نسنجیده است ؟ نام خداوند را تسبیح بخوانید . ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید ـ خداوند را حمد گوئید زیرا حمد نیکو است . ترنّم کنید بمجد اسمش و و ـ ندیده نشنیده ام تاکنون کسی اعتراضي بکثرت ذکر خدا درمقام تذلّل وعبودیّت نماید ـ خیر . خیر . بله . بله شبلی شمیل ـ دراواخر جزء ۲ (مجموعة) این اعتراض را نموده است . پدر . کتاب ثمرة الأمانی بر مسلمین عیب جو گردیده ودر تسبیح وادمان ذکر خداوند خصوص بلاإله الّا الله . اظهار استهزاء میدارد . بگذار . گفته اند (بردامن کبریاش ننشیند گرد) ولی . جهت چیست با این علاقه مندیهای مفرطی که بتوریه دارد خلاف واقع را باوهم نسبت داده است . پدر . کارکنان این جمعیت وطابعین این کتاب برما جنایتی نموده وصدق وامانت را از

مسیحیین برداشته اند . بله . فقط صدق که دراین کتاب است
آنست که در صفحهٔ ۸۷ اظهار عقیده نموده میگوید « سر
تثلیث فوق عقول ما است . وادراك آن از محیط فهم بشر خارج
است » . ولی . گویا این نویسنده برکتی درصواب وقول حق
ندیده . یاداشت . وجود خداوند . ازلیتش . علت العلل
است . عالم بجمیع اشیاء است . خالق زمین وآسمان است .
وروز قیامت را فوق ادراك شمرده . وناموس دین وعظمت
افکار را هتك نموده است — پدر — وقتیکه نام ان کتاب
را شنیدم فرط اشتیاق بمراجعه ان داشته . گفتم . بدیهیست
کتابیکه دراهتدآء مسلم بنصرانیت تألیف شود . ومبشرین
هم نشر دهند محتوی بردلائل روشن وبراهین بی پرده است
. خصوص بقلم یکنفر محصلی . . . . که بوسیله سفائن بسواحل
یمن وعمّان مسافرت نموده . وخدمات برجسته بدیانت مسیحی
داشته است . (این) تألیف بنزدیکی مسلمانان را بر تنصّر
ترغیب مینماید — متأسفانه پس ازمراجعه . دیدم . کتابی
است مبتنی بر دروغ وافکار پست وتاریک که برخلاف
انتظار برادران مسیحی را باسلام دعوت میدارد — راستی

اوقاتی را که در مراجعه این صرف نموده تضییع داشته ام .
ولی تضییع وقت در مقابل خجلت وشرم ساری از مسلمین
وقعی نخواهد داشت

﴿ عالم ﴾ ای عمانوئیل عقیده شما در مقدمه کتاب ثمرة الامانی
واعتراضاتی که نویسنده این کتاب بقرآن و رسول اکرم
در صفحه ۳ اشاره نموده چیست ؟ همان طوری است که
نویسنده یا مبشرین اشاره نموده اند که در دین اسلام وقرآن
اموری طفلانه وخرافات وضلالاتی که مدّت دوازده قرن
بر اصل توحید آویخته وپیچیده — خوب است — قرآن
وعهدین حاضر کرده ومندرجات هر یک را با حقیقت توحید
تطبیق نمائیم تا عریان ومکشوف شود کدامیک دارای
امور طفلانه وخرافات وشرک است

﴿ تا چند حقیقت است پنهان ﴾

(عمانوئیل) حضرت شیخ . تعقیب مطلب بیشتر موجب
خجلت وموروث اندکالك این جانب است . متمنی است از این
مذاکره صرف نظر فرموده . کلام سابق خود را تعقیب داریم

— ﴿ افسانه غرانیق ﴾ —

﴿ عالم ﴾ « بر گو که حقیقت است تابان »

﴾ عمانوئیل ﴿ پیغمبر مسلمین در مکة سورة نجم را در محضر بت پرستان تلاوت نموده وپس از تلاوت این آیة « ارأیت اللات والعزّی ومنات الثالثة الأخری » بتها را باین اسلوب تمجید میدارد - تلك الغرانیق العلی . منها الشفاعة ترتجی - بفرمائید چگونه خداوند شخصیکه مادح بتان بوده ودر چنین محضری مشرکین را تقویت نموده است برسالت مبعوث خواهد داشت

(عالم) خود شما این قصه را در قرآن یا دراخبار متواتره دیده اید ؟ یا سندآن روایت بثقات متصل است تا ثقاتی که واقعه را مشاهده داشته وبرای دیگران روایت نموده اند وشنیده اید که مسلمین بران اعتراف نموده وراویانش نزد عموم بدیانت وامانت معروف باشند ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ هیچیك ازانها در بین نیست . بلکه جماعت شیعه این قصه رادروغ وباطل وکفرآور میدانند — وازاهل تسنن هم — نسفی میگوید قول بآن مرضي نیست . بیضاوی . قول بآن نزد محققـین مردود است . خازن . در تفسیر خود میگوید علماء اصل قصه را موهون دانسته اند (چون انرا ازاهل

صحت روایت نداشته وثقتی باسناد صحیح یا سلیمی اسناد نداده است) فقط روایتی از بعض مفسرین و مؤرخینی که بذکر هر قصه غریب ونامعروفی شعف داشتند ودر صحت وسقم خبر کنجکاو نبودند وتقلباتی که در روایت این افسانه است با انقطاع سند دلیل واضح بروهن است . قاضی عیاض . انرا انکار نموده ومانند خازن گفته است . در سیرهٔ حلبیه . جمع زیادی این قصه رامطعون دانسته واز باطل شمرده اند وبساختگی زنادقه نسبت داده اند « رازی » در تفسیر خود . این قصه باطل جعلیست وقول بآن جائز نیست « بیهقی » راویان این قصه هیچیک آبرومند نیستند « نووی » امّا انچه از بعض اخباریین ومفسرین مرویست که سبب سجود بُت پرستان باپیغمبر ثناء انحضرت بر بتان است باطل وَاز جهت عقل ونقل شایسته نیست « سید احمد دحلان » در سیرة . قصه غرانیق را بعض محدثین ومفسرین نقل نموده وجماعت زیادی گفته اند دروغ وبی اصل است . واشخاصی که ناقلند میگویند . کلام پیغمبر نبوده بلکه گفتار شیطانیست که بسمع مشرکین رسیده ولی گوشهای مسلمین نشنیده است - قولیست — که بعض بُت پرستان

در بین تلاوت این آیه بأین کلمات جسارت ورزیده اند —
حضرت شیخ - بعض مفسّرین برای اظهار اطلاع وفضل تشبث
بواهیات کرده وقصهٔ غرانیق را سبب نزول آیه « وما ارسلنا
من قبلك من رسول ولا نبیّ » در سورهٔ حج دانسته واین
سوره را مکّیّة شمرده ومیگویند در شب قصهٔ غرانیق سال
پنجم نبوّت نازل شد . باآنکه تمامی سورة حج مدنیه است .
چنانچه ابن عباس . ابن زبیر . قتاده . ضحاك . و . و . و . و .
روایت نموده اند ودر صورتیکه از روایت آنها صرف نظر
داریم وضعیات دیگر ما نشان میدهد که سورهٔ حج مکّیه
نیست . زیرا دراین سوره ذکر واقعهٔ صدّ ومنع ازمسجد
الحرام است واین واقعه پس ازهجرت است . نیز در این سوره
خداوند امر بحج واذن درقتال وامر بجهاد فرموده است وبدیهی
است هریك پس ازسنینی بعد از هجرت میباشد — حضرت
شیخ — اضطراب این حکایت وتناقض روایات آنرا درجزء
اوّل کتاب الهدی صفحهٔ ١٢٤ تا ١٢٨ دیده وبران قدری هم
ازاطلاعات خارجی افزوده ام

﴿ عالم ﴾ — عمانوئیل — با این وضعیّات چگونه اظهار

عقیده نمودید که حضرت پیغمبر (تلك الغرانیق) را سروده است

(عمانوئیل) . معذورم . زیرا دریدوامر این حکایت را در جزء اول « الهدایه » صفحهٔ ٦٢ دیده وانرا بصورت واقع جلوه داده بود . میگوید ابن عباس وتمامی مفسرین از متقدم ومتأخر براین قائلند . مجدداً رحلة الحجازیّه شیخ غریب را مراجعه داشته دیدم انرا بمفسرین اسناد میدهد . اینست اعتماد برجمعیت کتاب الهدایه ونویسنده رحلة الحجازیّه نموده و گفتم حکایتی است که اجماع مسلمین برصحت آن است . غافل از انکه بر هر نویسنده نباید اعتماد داشت . سپس تتبعات بسیار در اطراف این حکایت کرده وانرا افسانه ودروغی بی منشأ یافتم . زیاده براین . اینکه در کتب دیده ام هر گونه اخبار ضعیف وسقیم ومنقطع و . و . را روایت میدارند . حلبي . در اول سیره اش براین تصریح نموده . ودر عیون الأثر سیره حافظ یاد داشت میدهد . گروهی ازدانشمندان تساهل در اخبار وحکایات را جائز میدانند . ابن عراقی گفته است

ولیعلم الطالب انّ السیرا * تجمع ما صحّ وما قد اُنکرا

(عالم) . ای عمانوئیل . چیست وکدام یک اعتماد وعلاقه مندی شمارا ازمندرجات کتب جمعیت وسائرمبشرین برداشت

(دروغهای جمعیت « الهدایة » وهاشم العربی وغریب ابن العجیب)

(عمانوئیل) اموری که مرا متنبه گردانید از که صفحه ۷ ذکر شده . که جمعیت « الهدایة » گفته اند . خداوند در توریة فرمود . « خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واورا تقدیس نمود » با انکه این کلمات بعینه در توریة موجود است ـ دیگرانکه — درصفحه ۲۸ اشاره شد که گفته اند قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدّم دانسته قائن را قابیل بر وزن هابیل نموده است . با انکه در قرآن هابیل وقابیل در بین نیست

دیگرانکه هاشم العربی درصفحه ۱۱ چاپ اوّل از تذییلاتیکه بر مقاله « جرجی سایل » است . وغریب ابن العجیب صفحه ۹۷ رحلة الحجازیه نوشته اند « درسفر پیدایش توریة است » (اسمعیل پس از مرگ ابراهیم . آمد » واورا دفن نمود) با انکه لفظی بمعنی « آمد » دراصل عبرانی توریة وهیچیك از

تراجم موجود نیست . وانها اِعمال غرض فاسدی نموده لفظ «اتی» بمعنی «آمد» را افزوده اند . چنانچه جزء ۲ کتاب الهدی صفحهٔ ۹۵ سطر ٤ تا ٦ وصفحهٔ ۱۰٤ متعرض است . مراجعه فرمائید . انچه تورىة دراین موضوع متذکراست عدد ۸ و ۹ باب ۲۵ سفرپیدایش «ابراهیم باشیبهٔ صالحی پیر وسیر شده مرد وبقومش ملحق گشت وپسرانش اسمعیل واسحق اورا درمغاره مکفلیة دفن نمودند»

﴿ عالم ﴾ در بعض تراجم عربی است «شیخاً وشبعان ایّاماً» یعنی «پیر وازروزگاران سیر» چرا لفظ «ایّاماً . روزگاران» را انداختید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ میخواهید برتورىة افزوده ودراین قسمت هم پیروی هاشم وغریب وامثال انهارا نمائیم ؟ زیرا انچه دراصل عبرانی است «ایّاماً . روزگاران» نیست واصل «ویمت ابراهام بشیبه طوب زقن وشبع ویاسف ال عمیو» مقصود از «شبع» (سیر) ــ توانگراست

﴿ عالم ﴾ مترجمین هم زیاده مثل این زیاده براصل عبرانی افزوده اند ؟

(عمانوئیل) درخصوص اسفار توریهٔ پنجگانه بیشتر از شصت
کلمهٔ افزوده اند . نسخهٔ ٧ صفحه ٣٦ معدوده باین کلمات اشاره
نموده است . ودر بین کلمات ان کلمات بحرف کوچك مطبوع
است . بعضي ازجهت نقصان تصحیح داشته وبعضي از روی
جهل بدلخواه بازیچه خود قرار داده اند

﴿ خطاب خداوند بأبراهیم . واختلاف عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ٣١ وتمام باب ١١ رسیده .
گفتم . آقای قس . توریهٔ تاکنون از گذارش وایمان وتوحید
ونبوت ابراهیم وخطابهائی که خداوند در بلد او بین النهرین
« فرات . ودجله » براوفرموده واورا برگزیده ذکری نداشته
. فقط میگوید « تارح پسرش ابراهیم ونوه اش لوط وساره
زن ابراهیم را برداشته واز « اور کلدانیان » بطرف اراضي
کنعان متوجه شدند پس بطرف « حاران » آمده ودرآنجا
اقامت نمودند وتارح در انمحل مرد » سپس در باب ١٢ است
« پس خداوند بابراهیم گفت از ولایت خود وازمولد خویش
وازخانه پدرت بزمینیکه تورا نشان خواهم داد برو — ابراهیم
رفته ولوط هم خدمت بوده او حرکت نمود » وابراهیم در

موقعیکه از حاران بیرون رفت هفتاد وپنج ساله بود . واو
زن خود ساره و برادر زاده اش لوط وتمام اموال اندوخته
با اشخاصیکه در حاران بهمرسانیده بود برداشته وبعزیمت
زمین کنعان بیرون گردیده و بزمین کنعان داخل شدند ،
آقای من - در اوائل باب ۷ اعمال رسولان است که « خداوند
ذو الجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه در بین النهرین
بود قبل از توقفش در حاران وباو گفت از وطن خود وخویشانت
بیرون شده بزمینیکه تورا نشان میدهم برو — پس از دیار
کلدانیان روانه شده در حاران درنگ نمود » — بفرمائید در
صورتیکه خطاب خداوند بابراهیم در بین النهرین بود چگونه
توریة انرا نقل بحاران نمود . واگر درحاران است کتاب اعمال
رسولان عهد جدید چه میگوید ؟ . ولی . همین خطاب
گوشزد میدارد که زمین وعشیره وخانهٔ پدر ابراهیم در بین
النهرین بوده است . واین مطلب هم بدیهی است چون حاران
زمین ابراهیم نبوده ودران عشیره نداشت . بلکه او و پدرش
ولوط وساره درحاران غریب بودند — نمیدانم چرا توریة
اشتباه مینماید ؟

﴿ قس ﴾ — عمانوئیل — (انچه نخواهی شده . بگذر . بخوان)

— ﴿ شك ابراهیم ع در توریة . وکلام پریشان ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا باب ١٥ - ازعدد ٨ تا ١٢ « خداوند بأبراهیم فرمود من خداوندی هستم که تورا ازاور کلدانیان بیرون کرده تا این زمین را بتو ببخشم وتو وارث آن گردی . گفت بچه علامت یقین کنم وارث این زمین خواهم شد . فرمود بیاور گاو سه ساله . بز سه ساله . گوسفند سه ساله . کبوتر حمام ویمام را . پس آورده وهریك را نصف نمود وهر نصفی مقابل دیگری گذارد سوای کبوتررا

پس جوارح لاش خور براین لاشه ها فرود آمده ابراهیم انهارا رد مینمود » - گفتم - جناب قس - این نوع بخشش وانتقال زمین ازملك قومی بدیگری ازامور عادیست . ﴿ خوب ﴾ خداوند بأبراهیم فرمود این زمین را بتو ببخشم وتو وارث ان گردی . چگونه ابراهیم شك نمود وگفت بچه علامت یقین کنم وارث این زمین خواهم شد . آیا وعدهٔ خداوند یقین آور نیست ؟ ابراهیم ایمان بخداوند نداشت ؟ — آیا مار

راستگوی ناصح چنانچه نزد حوّا رفت نزد او آمده ؟ بابراهیم هم گفت وارث این زمین نخواهی شد و چنانچه بآدم گفت « روزیکه ازان درخت بخوری خواهی مرد » این وعده هم بی اساس بود ؟

این جمله را گذاشته . بفرمائید بالأخره علامتی که حضرت حق بابراهیم داد چه بود ؟ تا ازآن علامت ابراهیم هم بصدق وعد مطمئن شود . نمی بینید مذاکره علامت صرف لقلقه وکلامی دم بریده است ازاو چیزی بدست نمیاید . بیان بی ثمریست و پیوسته نیست ـ خداوند که نفرمود این حیوانات را دونصف نموده کبوتر را دونصف مکن . پس ابراهیم بچه سبب اینقسم نمود ؟ آیا کلام خداوند اینگونه پریشان وتوریة حقیقی این شکل است ؟ ازخداوند وپیغمبران وکتابهای او دور میباشد

ایمان ابراهیم ع . ودلیل روشن قرآنی

(قس) بنظرم میرسد دراطراف حدیث ابراهیم قصه هم بهمین اسلوب در قرآن مسلمین اواخر سورهٔ « بقره » است

﴿ عمانوئیل ﴾ : بله . آیهٔ ۲٦۲ (واذ قال ابراهیم ربّ ارنی کیف تحیي الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبي

قال فخذ اربعة من الطیر فصرهن الیك ثم اجعل علی کل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن یأتینك سعیاً)

﴿ قس ﴾ . عمانوئیل . این کلام چه قسم بنظرت میرسید

(عمانوئیل) کلامی باانتظام . پیوسته مفید . دلیلی روشن وحجت بزرگیست . ایمان ابراهیم وطلب اطمئنان قلبی ومرتبه عالی ایمان را بمعونهٔ حسّ بیان مینماید . چون احیاء مرده گان امر بزرگیست ومحسوسیّت آن در زیادی ایمان اثر بزرگی دارد ـ ولی ـ « با انکه یهود ونصاری میگویند حکایات قرآن از توریهٔ مقتبس است » چرادر اینکلام پیوسته وبیان سرشار با کلام بریده وپریشان توریهٔ مخالف میباشد ؟ سبب اینگونه اختلاف چیست ؟

﴿ قس ﴾ چون یکی از این دو کتاب وحی خداوند وکلام حقیقی اواست خوب است در این مقام عقل را حکمران نموده . وبسنجید ــ بگذر ــ وبخوان

ــ ﴿ فرشته . خداوند . توریهٔ ﴾ ــ

(عمانوئیل) خواندم تا فصل ١٦ پیدایش . عدد ٧ تا ١٤ (در قصهٔ هاجر وبشارت ملائکه اوّرا باسماعیل ومذاکرات ملائکه با او) توریهٔ میگوید « فرشته خداوند اورا نزد چشمه

در بیابان یافت . . گفت باو فرشته خداوند . . . گفت فرشته خداوند » مکرر . پی در پی . تا گفت « فرشته خداوند باو گفت ذریت تورا بسیار افزون گردانم بحدی که از کثرت بشمار نیاید »

گفتم این قول از فرشته دور است . زیادی نسل از خداوند است نه فرشته . چرا توریة خلق وتکثیر نسل را بفرشته نسبت میدهد — از این هم بگذریم — ولی — با این همه تکرار . گفت فرشته خداوند . . گفت فرشته خداوند . . . . چگونه بعد فراموش نموده ومیگوید » ونام خداوند راکه باوی تکلم نمود (اته إل رئی) خواند ، ترجمه این لفظ عبرانی تو خدای دیدنست . مگر توریة بین فرشته وخداوند تمیز نمیدهد؟

(قس) در توریة ازاین قبیل بسیار است

(عمانوئیل) (نه مشکل کند حل مشکل نه هرگز * خطای فراوان بپوشد خطا را)

﴿ قس ﴾ . نه . نه . بخوان

﴿ ابراهیم . خداوند . ملائکه . توریة ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا باب ۱۸ و ۱۹ . قس هم درضمن

قرائت میخندید . مهم درمعانی آنها فرو رفته . دیدم دارای
جملاتی پریشان ومطالبی بیهوده است . بطوریکه در کلّه فرو
نمیرود – گفتم جناب قس . نجاتم را ده بفهمانید مقصود توریة
ازاین جملات چیست ؟ « اشکارشد خداوند . ابراهیم چشم
باز کرد دید سه مرد درمقابل او ایستاده اند . گفت ای آقا
اکنون که منظور نظر تو شده ام ازبندهٔ خود مگذر . اندک
آبی بیاروند تا پاهای خودرا شسته ودرزیر درخت بیار امید
. قطعه نانی بیاورم تا دلهای خودتان را تقویت دهید . بالآخره
ابراهیم طعامی مهیّا کرده . خوردند سپس بساره بشارت
فرزند داده وساره بمناسبت پیری وقطع عادت زنان خندید
. خداوند گفت مگرهیچ امری برای من دشوار است .
درموعد خواهم برگشت وساره را پسری خواهد شد . پس
ان مردان برخواستند ومتوجّه « سدوم » شدند . وابراهیم
ایشانرا مشایعت نمود . خداوند گفت آیا آنچه میکنم برابراهیم
مخفی دارم ؟ پس خداوند گفت چون فریاد « سدوم وعموره »
زیاد شده است فرود آیم ببینم بحسب فریادیکه بمن رسیده
عمل نموده اند والاّ خواهم دانست . انگاه ان مردان بسوی

سدوم رفتند . ابراهیم حضور خداوند ایستاده بود « ابراهیم وخداوند مکالمات زیادی نمودند » پس از ختم مکالمات خداوند رفت وآن دوملك بسوی سدوم آمده . لوط آنها را استقبال داشت گفت بیایید سوی خانه من وپاهای خود را بشوئید . سپس نان فطیری برای آنها مهیّا کرد خوردند . واورا بهلاکت ان شهر خبر دادند — هنگام طلوع فجر لوط را شتابانیده ولوط سستی مینمود آن سه مرد دست او وزن ودخترانشرا گرفته بیرون کردند . اورا گفت فرار کن . لوط باها گفت نه آقای من . من بندهٔ توام درچشم تو عزیز میباشم . پس گفت شهریکه شفاعت نمودی واژگون نمیکنم . تا آنجا نرسیی من نمیتوانم کاری بکنم »

جناب قس — چگونه خداوند بنظر ابراهیم در صورت سه مرد ظاهر میشود؟ بچه وجه ابراهیم بخطاب مفرد باآنها تکلم مینماید؟ میگوید « آقای من . درچشم تو . ازبنده تومگذر . باز چرا بخطاب جماعت خطاب نمود میگوید « پاهای خودتان را بشوئید . بیارامید . دلهای خودتان را تقویت دهید » توریة هم میگوید « خوردند » — جناب قس — خورندگان

کیستند ؟ انسانند ؟ یاملائکه ؟ ولی بقول توریة خداوند بود . چون توریة در انعقام میگوید ، پس خداوند فرمود چرا ساره خندید چیزی برخداوند دشوار است . خداوند گفت آیا انچه . خداوند گفت ناله سدوم . فرودآیم ، مضحک است مگر خداوند محتاج بنزول میباشد ؟ تا ببیند . بداند ؟ ! اگر فرود نیاید نخواهد شنید . نخواهد دید . نخواهد دانست ؟ ! ! خداوند کجا است تا نزول نماید ؟ پس از تکلم باابراهیم کجا رفت ؟ ان سه مرد چگونه دو ملك شدند ؟ چگونه ازطعام لوط خوردند ؟ چگونه یکی شدند ؟ چگونه لوط خطاب مفرد بانها نمود ؟ آقای من . بندهٔ تو . چشم تو . که بود که لوط باو تکلم میدارد ؟ که با لوط تکلم داشت . من تورا سر بلند نموده ام . شهر را واژگون نمیکنم . من نمیتوانم کاری بکنم . آیا خداوند بود . ونمیتوانست ؟ ! من چه بگویم — توریة میگوید

﴿ قس ﴾ مسیحیان میگویند آن سه مرد اقانیم خداوندند وخداوند باقانیم خود برای ابراهیم ظهور نمود . خداوند یکی است دارای سه اقانیم . ابراهیم آن را بخطاب مفرد خطاب

نمود چون خداوند یکی است . وبخطاب جماعت بلحاظ تعدّد اقانیم

(عمانوئیل) فعلا نمیگویم چگونه خداوند یکی . سه است . چون چماق تکفیر را برداشته میگویند . ای بی ایمان . این امور وراء عقل است . ساکت شو . خفه . خفه . لذا تأخیر بهتراست . ولی میگویم . آیا چون ابراهیم میدانست خداوند باقانیم ثلاثه خود ظاهر شده گفت پاهای خودتان را بشوئید . دلهایتان تقویت نمائید . بیارامید . برای آنها خوراك آورد ! نشستند ! خوردند ! آیاخداوند میخورد ؟ اقانیم خداوند می خورند — خوب — چطور اقانیم سه گانه نزد لوط دو ملك شدند.؟ سوّمی آنها چه شد ؟ آیا سه عدد دو عدد است ؟ یا اقانیم خداوند فرشته اند ؟ ! معقول است خداوند یا اقانیم خداوند بخورند ؟ وبیاشامند ؟ !

ــ کرامت قرآن ــ

(عمانوئیل) ـ جناب قس ـ توراتی که همگی تصدیق داریم کلام خداوند است این قصه را افسانه ونا معقول نقل نموده ویا بیاناتی که بکلّه فرو نمیرود اظهار میدارد — از این طرف

قرآنیکه غیر از مسلمانها احدی باو معتقد نیست و بجز آنها نزد کسی وحی الهی شمرده نمیشود این قصه را با کمال پیوستگی موافق عقل و دانش متذکر است . آیهٔ ۷۲ تا ۸۵ سورهٔ هود مکیة و ۲٤ تا ۳۷ سورهٔ ذاریات مکیّة تذکار میدهند ؟ وتصریح مینمایند که انها ملائکهٔ خداوند بوده وخوراک نخورده اند

﴿ قس ﴾ باحالت مخصوصی (خندان) - گفت - مسیحیان میگویند (محمد ص) چون خواننده ونویسنده نبود حکایات توریة را از یهود ودیگران آزموده ودر قرآن نقل میکند

﴿ عمانوئیل ﴾ - (محمد ص) از اعراب وحشی بت پرست بشمار میرفت وآنها هم بهرهٔ از علم نداشته . نمیدانستند معقول چیست . غیر معقول کدام است — پس اگر (محمد ص) این قصه را از توریة یاتعلیم یهود گرفته بایست مانند توریة کلام پریشان ومتناقض ونامعقول بیاورد. بلکه بحسب جهالت ووثنیت وبی معرفتی اعراب زشت ترنقل مینمود .. واقع .. بسیار تجسس داشته ودر اطراف این اظهار جدّیت نموده ام

ـــ قرآن غلطهای عهدین را تصحیح کرده . وحقائق معقوله را بیبان خوشي جلوه میدهد . راستی راستی قصص عهدین را از مهملات وخرافات تصفیه میدارد ـ شرم آور است عهدینی که مسیحیان کلام خداوند میدانند پراز خرافات وهرزه نویسیست . ولی . ازیکطرف قرآن مسلمانها در موافقت عقل واستقامت وحقیقت نمائی یگانه کتاب آبرومند است ـ کاش یهود ونصاری این نسبت را بقصص قرآن نداده وشخص را بمقابله وادار نمیکردند . آنوقت زشت وزیبا راست ودروغ معلوم نمیشد ـــ فعلاً اجازه دهید قرآن وعهدین را در محضر محترم مقابله نمایم

(قس) سابق در قصه آدم وشجره وابلیس مقابله شد . شاید هم اگر درس را ادامه دهیم سایر قصص هم مقابله شود . ولی . راستی اظهارات شما نزد برادران مذهبي ما دشوار وخشم آور است

(عمانوئیل) برادران مذهبی ما اهل حق ودارای صفای باطنند . ازاینها بگذریم . علت چیست درد درونی وزخمهای دیرینه مرا مداوات نمیفرمائید « بلبم آب رسانیده نگه میداری »

﴿ قس ﴾ میخواهم بپای خودت با این حرکات ملایم بطرف حق سیر نموده . ارشاد شما سهل شود — اینک — لازمست دروس سابقه خودت را در آن ضمیر پاك ودرون روشن آزاد نوشته . حساب حقیقت سهل وساده خواهد بود . من هم همراه هستم کمک خواهم نمود « گرچه یزدان تورا است نیک معین »

(عمانوئیل) دروس سابق را بذهن خود سپرده ومذاکرات مستقبل را هم در نظر خواهم گرفت و بهتر است برای عبرت دیگران واستفادهٔ عموم قلم را بدست گرفته آنها را هم بنویسم ونشر دهم ـ جناب قس ـ چیزی ماند ـ . باب ۱۹ در ذیل قصهٔ سدوم وعموره افسانه شرم آوریست نخوانده ام ـ وای وای ـ لوط در دیه صوغر برآمد با دو دختر خود در کوه ساکن شد . دختر بزرگ بکوچك گفت پدر ما پیر شده ومردی بروی زمین نیست . بیا تا پدر مارا شراب بنوشانیم وبا او هم بستر شویم تا نسلی از پدر نگاه داریم . مختصر . شب اوّل دختر بزرگ . شب دوّم کوچك بدینوسیله و بدمستی پدر همبستر پدر شده . حامله گردیده . دو پسر زائیدند ـ جناب قس ـ این عمل

از لوط پاکیزه و پرهیزکار معقول است ؟ ! آیاقرآن هم بهمین مضمون نقل مینماید

﴿ قس ﴾ توریه میگوید . . . نمیدانم وجدان شما چه میگوید — امّا « قرآن منزّه است از این گفتهای زشت » — آه — بخوان

—﴿ ختنه . وتوریه ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ مطلبی از باب ۱۷ عدد ۹ تا ۱۵ باقی مانده . خوب است از تحقیق و کنجکاوی آن در این مقام صرف نظر نداریم — میگوید — ختنه عهد خداوند با ابراهیم وفرزندان ذکور وبستگان او است . پسریکه مختون نشود چون عهد خداوند را نقض داشته از قوم خود جدا خواهد شد — جناب قس — این عهد با ابراهیم وفرزندان وتابعان او است یا باعموم مؤمنان

﴿ قس ﴾ . او . عهد ایمان وشریعت مؤمنان است . وبدیهی است چون در آن موقع مؤمنین منحصر بابراهیم وفرزندان وتابعان او بودند . خطاب بآنها متوجه خواهد شد — اینست موسی هم آنرا در عهد خود مقرر داشته ومتابعت

ان هم تاکید فرمود ـ « این حکم را برای اسرائیلیان . واشخاصی که در اسرائیلیان فرود آیند . ومولودین زمین . وغلامانیکه میخرند . وشرط عمل فصح . وخوردن آن قرار داد »
باب ۱۲ سفر خروج عدد ٤٤ تا ٥٠ . وباب ۱۲ سفر لاویان عدد ٤ مراجعه شود . پیوسته انبیاء ومؤمنان هم تا چندین سال پس از مسیح بر این ترتیب بوده ومخالفت نمودند ـــ شخص « بولس » هم در رساله رومیان باب ٤ عدد ۱۱ تصریح مینماید « وعلامة ختنه را یافت ابراهیم تامهر ونشانی بر ان عدالت ایمانیکه در نامختونی بود »
(عمانوئیل) باانیکه علامت ایمان وعهد خداوند سبحان بود چرا نقض کردیده ومنسوخ شد ؟
﴿ قس ﴾ در عهد جدید است تقریباً ۱۷ سال پس از مسیح رسولان وبولس ختنه را ابطال نموده اند . آیا باب ۱۵ اعمال رسولان یا کلماتی که راجع بابطال ختان ومنسوب برسائل بولس است ندیده اید ؟
﴿ عمانوئیل ﴾ دیده ام . ولی تنها ختان را نسخ نداشته بلکه همهٔ شریعت موسی را ابطال کرده است ـ تعجب است ـ

بافرط محافظتیکه مسیح از این شریعت فرمود ودر انجیل هم بمحافظت آن عموم وخصوص شاگردان خودرا توصیه نمود . وای . وای . چگونه این اقدام زشت را داشته و حفظ وصیت مسیح را نموده اند ؟ ـ مضحك است ـ ابطال این شریعت را نموده واظهار میدارند که برای سهولت وجلب مردم بتنصر این اقدام را کرده ایم — امّا — بیاناتی که در اطراف ختان منسوب بپولس است یك جملاتی هرزه وپریشان ومتناقض است . وشریعت موسی را اهانت واستهزاء مینماید — چیز مهمی هم ندارد

— ﴿ عبد المسيح در کتاب خود . وختان ﴾ —

﴿ قس ﴾ اصحاب ما میگویند . خداوند خواست . مبادا پس از ورود اسرائیلیان بمصر شهوت بر آنهائیکه اولاد ابراهیم اند غلبه نموده شریعة ختان را مقرّر فرمود بجهتیکه وقت اسرائیلیان زنارانی بگذرانند زنان مصر بواسطه تغییر خلقت این عضو از آنها بپرهیزند — بنابراین پس از خروج از مصر ختان حکمتی ندارد

(عمانوئیل) این بیان عبد المسیح است — میگویند — در

زمان مأمون عبّاسي تأليف نمُوده وازابطال ختان اعتذارجست ـ ولی ـ اگر پوزش نمینمود پاس جلال خداوند . قدس انبیاء . شرافت کتب وحی را بهتر میداشت — نمیدانست ؟ — این اعتذار مورد ملامت شده . خواهند گفت . اگر حاجتی بدوام شریعت ختان نبود چرا خداوند پس ازخروج اسرائیلیان از مصر آنرا تأکید فرمود . یك سال وبیشتر پس ازاین‌خروج در « سینا » بموسی میفرماید « روز هشتم . از ولادت پسر گوشت غلاف او ختنه شود » چنانچه درسفر لاویان باب ۱۲ عدد ٤ ـ چرا خداوند بیوشع پس ازخروج مصر بچهل سال وبیشتر امر داشت بنی اسرائیلیکه پس از آن خروُج مولود شده وَهمه مختوُن نبوده اند همه رايك وقت ختنه كنند . اوهم انهارا ختنه نمود وازمدافعت هجوم دشمنان حاضر باز داشته تا امر الهی را اجراء میداراد . دراین وقت خداوند فرموُد « امروز ازشماها ننگ مصر برطرف نمودم » مراد از ننگ مصر آن نا مختونیکه نشان شرك شده . چنانچه ختنه نشان ایمان است . کتاب یوشع باب ٥ عدد ۲ تا ۱۰ مراجعه شود ـ این انبیاء ومسیح این حکم را اجرآء داشته شاگردان انحضرت

هم تا ۱۵ سال پس از مسیح متابعت نمودند تقریباً شریعت ختان ۱۹٤٦ سال ادامه نمود

ـ حضرت قس ـ چرا بولس و شاگردان مسیح این نوع پوزش مانند عبد المسیح نخواسته اند؟ معلوم است بیهوده و بی اصل میباشد

ـ یگانه فرزند ابراهیم کیست ؟ ـ

(عمانوئیل) خواندم تا باب ۲۲ گفتم ـ جناب قس ـ توریة میگوید . ابراهیم بذبح یگانه فرزند خود مخاطب گردیده . سه مرتبه ذبیح بعنوان « فرزند یگانه تو » تعیین میشود . ولی توریة نیز میگوید یگانه فرزند اسحق بود ـــ نمیدانم ـــ چگونه اسحق یگانه است ؟ باانکه اسمعیل پانزده سال ازاو بزرگ تر ودر زمان اسحق واین خطاب موجود بود . لذا . لازم است یا لفظ یگانه را برداشته . یا لفظ اسحق را باسمعیل تبدیل کنیم . زیرا بدیهی است که اسمعیل پانزده سال قبل از اسحق متولد شده ویگانه است . اسحق هیچ وقت یگانه نبوده

(قس) مسلمانان میگویند خداوند ابراهیم را بذبح پسرش

« اسمعیل » امتحان فرموده واو (یگانه) او است

(عمانوئیل) چرا نگوییم . مسلمانان فخر رضا وتسلیم از اسحق برای امر خداوند وفخر این قصه وفدآء را از اسحق برداشته باسمعیل نسبت داده اند چون اسمعیل جدّ قسمت بزرگی از مسلمانان وجدّ (محمد ص) پیغمبر اسلام است

(قس) تناقضي كه در توریهٔ بین « اسحق » و « یگانه است » قول مسلمانان را تأیید مینماید

(عمانوئیل) توریهٔ تصریح میکند که اسحق یگانه پسر ابراهیم بود

﴿ قس ﴾ برگشت سؤآل اوّل شما بر این است که توریهٔ یا در تسمیهٔ ذبیح (باسحق) یا در توصیف او (بیگانه) خطأ نموده

(عمانوئیل) تعجب است همچه تناقض واضحی چگونه در توریهٔ است !

(قس) تعجب ندارد . پیش آمد وتبدلات روزگار پی در پی توریهٔ را باینگونه تناقضها مبتلی کرده است . (در ذکر خریداران یوسف از برادران وفروختن اورا در مصر) بباب ۳۷ شمارهای ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ مراجعه دارید .

مذکور است — تا گـاه کاروان اسماعیلیـان بطرف مصر میرفتند . یهوذا گفت بیایید یوسف را باسماعیلیان بفروشیم — ان وقت تجار مدیانیان گذشته و یوسف را باسماعیلیان فروختند وبمصر آورده — امّا — مدانیان » و در تراجم . مدیانیان » اورا در مصر به فوطیفار خواجه فرعون فروختند — ولی در اوّل باب ۳۹ میگوید . امّا یوسف را بمصر بردند وفوطیفار خواجه فرعون اورا از دست اسماعیلیانی که یوسف را به انجا بردند خرید ! !

ای عمانوئیل گـاهی توریة آنها را اسماعیلیـان اولاد اسمعیل پسر ابراهیم و هاجر نموده . گاهی . مدیانیـان . اولاد مدیان پسر ابراهیم و قطوره . گـاهی . مدانیان . اولاد مدان پسر ابراهیم وهمین قطوره . بازهم اسماعیلیان مینماید ـ ای عمانوئیل (حال توریة ما چنین باشد) — بگذر وبخوان

﴿ توریة وبرکت یعقوب ﴾

(عمانوئیل) خواندم باب ۲۷ تا عدد ٤٠ ـ محلیکه بسیار شرم آوراست سپس سـاکت شده . ولی . قس میخندید . گفت چرا ساکت شـدی ؟ گفتم . خنده شما از چه جهت است ؟

گویا بامن هم عقیده اید ؟ آنچه شمارا بخنده درآورده مرا هم ساکت نمود

(قس) ای عمانوئیل نظریات خود را در این موضوع اظهار دار وبدل مپیچ

(عمانوئیل) اسحق پیغمبر خداوند متعال خواست برکت را به پسر بزرگ خود عیسو بخشیده واورا بشرافت روحانی وپیغمبری سرافراز فرماید ـ فعلاً نمیپرسم ـ آیا این عزم وتصمیم بأمر خداوند یا بدلخواه اسحق بود ؟ ـ ولی ـ استیضاح مینمایم . بچه سبب بعیسو گفت « صحرا رفته شکاری صید کن چنانچه میل دارم خوراکی ترتیب داده برای من بیاور بخورم تا قبل از مرگم ترا برکت دهم » — مگر دادن برکت موقوف بشکار وسیر شهوانی اواست ؟ ودر حال گرسنگی داده نمی شود ؟ ا ـ ازاینها گذشته — توریة میگوید — در این اثناء مادر عیسو ویعقوب سخنان اسحق را باعیسو شنیده واز فرط محبتی که بیعقوب داشت اورا امر نمود بگله شتافته دو بزغاله خوب بیاور خوراك مهیا سازیم تا آن برکت برای تو گرفته شود . یعقوب بمادر خود گفت برادرم عیسو دستهای او پر

موست من بی مو هستم . چگونه پدر را فریب دهیم . مبادا
ملتفت شود انوقت عوض برکت مرا لعنت خواهد نمود . مادر
گفت لعنت او برمن . برو انچه را میگویم عمل کن . یعقوب
بزغاله حاضر نموده مادر موافق دلخواه اسحق خوراک ترتیب
داده وجامهای فاخر عیسو را بیعقوب پوشانید و پوست بزغاله
را بدست و گردن او بست . یعقوب خوراک را نزد اسحق
آورده عرض نمود من عیسو پسر بزرگ تو هستم !! آنچه
بمن فرموده اید عمل نموده ام بنشین از صید پسر خود میل فرما
. سپس مرا مبارک گردان . اسحق فرمود نزدیک من بیا .
تو را لمس کنم ببینم تو عیسو هستی یانه ؟ پس از لمس فرمود
صوت صوت یعقوب است . امّا دستها دستهای عیسو . نیز
گفت تو پسر بزرگ من عیسو هستی . یعقوب گفت بله بله
من عیسویم . اسحق از آن طعام خورده و می نوشید ! آنوقت
برکت مال و ریاست قومی و بزرگی روحانی را باو بخشید !! ـ
سپس عیسو رسیده و طعام حسب دلخواه اسحق حاضر نمود .
از پدر طلب برکت داشت — بالاخره . اسحق چون دانست
که یعقوب بوسیلهٔ مکر و تزویر برکت را ربوده بلرزش بسیار

شدیدی لرزیده و گفت کیست اینکه مبارک گردانیدم . بلی . ومبارک خواهد بود . عیسو گفت بمن هم برکت بده . جواب داد . برادرت بمکر وتزویر برکت تورا گرفته است . عیسو سؤآل میکند . (پس مانده) برکت هم برای من نمانده است . جواب داد . خیر . یعقوب را آقای تو وبرادرانش گردانیدم واورا بگندم وشراب تقویت داشته ام دیگر (چکنم چاره چه سازم . که تهی دست شدم)

ای حضرت قس . توریة میگوید . یعقوب به پدر خود خدعه وتزویر نمود . چهار مرتبه دروغ گفت . بفرمائید این برکت بزرگ فقط بکلام اسحق وخوردن صید وآشامیدن شراب مربوط بوده است ؟ (اگرچه برخلاف مقصود اسحق هم بدسیسه تزویر ربوده بشود . وبرای خداوند متعال در این برکت اراده وحکمت ونظری بلیاقت نبود ؟ بلکه یگانه منظور خداوند لسان وخوردن وآشامیدن اسحق از صید وشراب میباشد اگرچه یعقوب هم بدروغگوئی وخدعه ببرد (تعالی الله عن ذلك)

(قس) شاید این تحویل برکت (از عیسو بیعقوب) موافق

ارادهٔ خداوند بوده

.(عمانوئیل) تعجب است . مگر ممکن نبود . از اوّل خداوند باسحق میفرمود . سزاوار این برکت یعقوب است . نه عیسو — تااینکه سزاوار وصاحب این برکت پیغمبری در وغگو ومکار نشود . امور الٰهی ونبوی هم معرض سخریه واستهزاء نگردد چگونه ممکن نبود ؟ یاانکه توریهٔ موجودرا بوحی خداوند بموسی نسبت دهیم آیا نمی‌بینید چه قدر حکایات شرم آور وقصه های طولانی بی مغز دارد . . مراجعه فرمائید حکایات لوط ودختران او (۱) کشتی گیری یعقوب باخداوند (۲) . « دینه » دختریعقوب (۳) « تامار » عروس یهودا (٤) دراز گوئی خداوند باموسی راجع برخت هرون وبرش وزنگوله ومنگوله ورنگ آمیزی آن (٥) آنهم درچه وقت ؟ . بقول توریهٔ . موقعیکه هرون بضد خداوند اقدام نموده ومردم را به پرستش گوساله میخواند (٦) جناب قس البته

---

(۱) سفر پیدایش باب ۱۹ عدد ۳۱ تا ۳۸ (۲) باب ۳۲ عدد ۲۲ تا ۳۲ (۳) باب ۳٤ عدد ۱ تا ۳۰ (٤) باب ۳۸ عدد ۱ تا ۳۰ (٥) سفر خروج باب ۲۸ عدد ٤ تا ۳۹ (٦) بسفر خروج باب ۲٤ عدد ۱۲ تا باب ۳۲ عدد ۱ تا ۷ و۱٥ تا ۲٥ مراجعه فرمائید

این مقالات وحشت انگیز بی مغز بیهوده توریة را دیده اید حاشا
. حاشا . (توریة حقیقی اینچنین نیست)

(قس) . چه بگویم . عجله مکن . بخوان

(عمانوئیل) خواندم باب ۳۲ عدد ۲٤ تا ۳۱ قس در حال قرائت گاهی تبسم مینمود . وگاهی میلرزد . گفتم توریة میگوید . یعقوب تا طلوع فجر با انسانی کشتی گرفت وچون دانست بر یعقوب قدرت ندارد بران اوزده فشرده شد . به یعقوب گفت مرا بازدار . یعقوب گفت رها نمیکنم تا مرا برکت نمائی . نام یعقوب را پرسیده وگفت پس ازاین خودرا یعقوب منام زیرا باخداوند مجاهده نموده وغالب شده نام تو یسرائیل است . یعقوب هم نام اورا پرسیده گفت چرا اسم مرا میپرسی ویعقوب را برکت داد . یعقوب ان مکان را « فنیئیل » یعنی وجه الله نامیده گفت چون خداوند را « روها بروها » دیده وجانم رستگار شد

جناب قس . توریة میگوید . انسانیکه با یعقوب کشتی گرفت وبریعقوب قدرت نداشت ونتوانست خودرا رها کند خداوند بود . ویعقوب باتوانائی وغلبه وشجاعت از خداوند

برکت را گرفت (چنانچه قبل بمکر وتزویر از پدر خود گرفته بود) واین است بواسطهٔ این غلبـة وشجـاعت « یسرائیل » نامیده شـد — ای آقا مگر این معقول است . نمی دانید ؟ . اینگونه کلمات الهیین را مورد استهزاء ما دیین میدارد . مگر امور الهی ونبوی این شکل است . کتـاب خداوند هم این نوع بیهوده سرائی مینماید

﴿ قس ﴾ ندیدی وقت قرائت گاهی تبسّم مینمودم وگـاهی میلرزیدم . صبر کن

(عمانوئیل) در اصل عبرانی « روها بروها » است . جهت چیست مترجمین « روبرو » ترجمه داشته اند . بفرمائید بواسطه غلط نویسندهٔ عـبرانی است کـه « یاء ومیم » عـلامت جمـع را افزوده « فنیم ال فینـم » نموده است یا از جهت دیگری است

(قس) کلمه پیش از این در اصل عبرانی چیست

(عمـانوئیل) اصل عبرانی (کی رأیتی الوهیم فنیم ال فنیم) ترجمه « چون دیدم خـداوندان را روهـا بروها » گفتم گویا میفرمائید غلط کتبی نیست بلکه غلط اشراکی وثنیست

(قس) خندیده و گفت من نگفتم تومیگوئی . بگذر . وبخوان
(عمانوئیل) خواندم باب ۳۵ عدد ۹ تا ۱۶ دیدم توریه در
این اعداد میگوید (ظاهر شد خداوند برای یعقوب . . .
صعود نمود ازاینجائیکه با یعقوب تکلم فرمود — یعقوب اعحل
را « بیت ایل » یعنی خوانه خدا نامید - گفتم - چرا توریه
بخداوند نسبت صعود و نزول میدهد . مگر خداوند جسم
است . پایین میاید . بالا میرود ؟ ! !
﴿ قس ﴾ مگر خداوند جسمی است که در بهشت راه میرود
میخرامد . آدم صدای خرامیدن میشنود ؟ ! ! با یعقوب کشتی
گرفته ونمیتواند خود رااز دست او رها نماید . آهستة . عجله
مکن . بخوان وببین
﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا خواندم در باب ۳۸ . یهوذا پسر
یعقوب باعروس خود « ثامار » زنا داشته ازاو دو پسر « فارص
وزارح » متولد شد (۱) - گفتم - جناب قس چرا توریه
این افسانهای شرم آور راذکر نموده . خانواده پیغمبران

---

(۱) ببیانات توریه وکتب وحی یهود اولاد یهوذا که قسمت بزرگی
از اسباط بنی اسرائیلند از این سلسله زنا بوده اند وداود وسلیمان
ومسیح هم از این سلسله میباشند

وفرستادگـان خداوند را ننگـین واهانت مینماید وبولادت پیغمبران بزرگ مانند داود وسلیمان ومسیحی که از ذرّیت فارصند طعن میزند ؟ ! با (آنکه) توریهٔ درباب ۲۳ عدد ۲ سفرتثنیه میگوید « زنا زاده در دستهٔ خداوند داخل نمی‌شود حتی پشت دهم » ـ نتیجه میدهـد . داودیکه از پشت دهم است درجماعت خداوند نمیباشد لذا چگونه پیغمـبر مقرّب گردیده ووحی زبه رباو نازل میشود

(قس) ازاینگونه اعتراضات پی درپی بکتـاب وحی خود داری کن . مگر ندیده کتب وحی ما میگویند « امنون » پسر داود بخواهرش « تامار » دخترداود عاشق گردیده وبدستور العمل « یوناداب » برادرزادهٔ داود باثامار زنا مینماید . داود هم شنیده . بحدود شریعت باامنون رفتار نکرده . بلکه نسخهٔ سبعینیه باب ۱۳ کتاب دوّم صموئیل درانمقام میگوید . داود روح امنون پسرش نیازرده چون اورا دوست داشت زیرا نخست زاده اش بود . . وچون شنید « ابشالوم » برادر پدر ومادری ثامار امنون را بجهت ان عمل شنیع بقتل رسانیده گریه بسیاری نمود وهر روز براو میگریست . باب ۱۳ صموئیل

دوّم را مراجعه فرمائید . این (ابشالوم) هم بقول کتب وحی ما . با زنان و پرده گیان پدر خود بالای پشت بام بمنظر اسرائیلیان زنا داشته . وپس از موت او داود براو میگریست ومیگفت ای پسرم ابشالوم ای پسرم ای پسرم ابشالوم کاش که بجای تو میمردم ای ابشالوم پسرم ای پسر من . باب ۱۶ عدد ۲۱ و ۲۲ وباب ۱۸ عدد ۳۳ کتاب دوّم صموئیل مراجعه شود - ای عمانوئیل — مگر ندیده اید کتب وحی ما درشأن داود متذکر است . که زنا بازن «اوریا» داشته وبااومکر نمود وزن اوریا هم از داود حمل زنائی برداشت وبالاخره بدستور داود این مرد صالح درستکار کشته شد . راستی اموری که بدن شخص را بلرزه درآورده وازمردمان شرور وخیانتکار هم صادر نمیشود . من که دامن پیغمبران را باینگونه حرکات زشت آلوده نمیدانم — امّا چکنم باب ۱۱ صموئیل دوّم متذکر است

﴿ عمانوئیل ﴾ جناب قس . گویا میخواهید این نسبتهائی که کتب وحی ما بداود داده اند تکذیب فرمائید ؟ آیا دلیلی هم دارید که این نسبت زشت را بقدس داود تکذیب

کنند ؟

(قس) آیا چیزی که خلاف معقول تکذیب او هم مایه دارد ؟ بیانات شیخ « عالم » را صفحه ٤٦ فراموش نموده اید . نگفت . کسیکه مرتکب این گونه اعمال زشت شود چگونه خداوند اورا بنبوّت اختیار فرموده و برای ارشاد بندگان وباز داشتن از این اعمال شرم آور میفرستد ؟ مگر خداوند متعال میخواهد مقام نبوّت را مورد استهزآء نموده ومخالف مجد وحکمت فرماید ؟

(عمانوئیل) غیرازاین هم دارید ؟

(قس) زبور وحی خداوند در مزبور ۱۱۹ از لسان داود میگوید . خداوندا ازشریعت توانحراف نورزیده ام — امّا وصایای تورا ترك نکرده ام — ازهر راه بدی پای خود را نگاه داشتم برای اینکه فرمان تورا حفظ کنم — از کلام تو انحراف نورزیده زیرا تو آموختی مرا - ازاحکام توانحراف نورزیده ام

انجیل لوقا باب اوّل عدد ۳۲ (وحی خداوند بمریم مادر مسیح که در تمجید ونیك بختی مستقبل پسرش مسیح) میفرماید

(خداوند اورا کرسي داود پدرش خواهد داد) بدیهی است که او کرسي تقوی ورستگاری داود است - ولی - کسیکه دارای چنین اعمال زشت وحرکات شرم آوراست . هم کرسي پیغمبران رستگار وانبیاء پرهیزکار نخواهد بود . بلکه بایست هم کرسي اشرار باشد . اگرچه

اشرار هم بجمع خود ره ندهند * شهوت پرست پرده در پر گناه را

آیا همین کرسي خداوند مسیح را تمجید میکند . حاشا لله وحاشا انبیائه واولیائه

(عمانوئیل) در انظار مسلمانان وکتاب آسمانی آنها (قرآن) چه میگویند ؟

﴿ قس ﴾ تبسّم نموده . گفت . بشما چه مربوط . گفتم . ضرر ندارد . مگر معرفت تاریخی هم در این مذاکره نیست ؟

(قس) قرآن سورهٔ (صٓ) در شأن داود فرموده است آیهٔ ۱۶ (انّه اوّاب) یعنی (بخداوند بسیار رجوع کننده) آیهٔ ۲٤ (وانّ لَهُ عِندَنَا لَزُلفَی وَحُسنَ مَآبٍ) (وبدرستیکه نزد ما برای او است هر آینه نزدیکی وحسن باز گشت - بله - ذر

این سوره محاکمهٔ خصمین است راجع بدین - ولی - بعض مسلمانان آن قصه زنائی را از لسان یهود گرفته در کتب خود نوشته اند (چنانچه باب ۱۱ و ۱۲ صموئیل دوّم متذکر است . امّا جماعت شیعه واهل تسنّن متّفقند در روایت که (علی) وزیر پیغمبرشان (محمد ص) یك صد وشصت تازیانه برای افسانه سرایان این قصه تعیین فرموده وانرا حدّ افترآء رانبیآء قرار داده است . این « علیّ » پیشوای مسلمانها است که این حکایت را افترآء وازخرافات تمالان شمرده - ونیز - جعفر بن محمد امام ششم اهل بیت مانند جدّ خود « علیّ » فرموده است — مسلمانان هم این حکایت را درشأن پیغمبران غیر معقول شمرده و بهمین حکایات در کتب وحی ما عیب جو میباشند . صفحهٔ ۱۰۲ تا ۱۰۵ جزءاوّل کتاب الهدی مراجعه شود

(عمانوئیل) . پی در پی . بعجله خوانده وازامور زیادی دلگیر وغضبناك ودرهم بودم . وحرص برامور مهمه دیگری داشته سفر پیدایش را خاتمه دادم . شروع بدومین سفر توریة (سفر خروج) شد .

ـــ﴿ پیغمبری موسی ٠ توریة ﴾ـــ

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تاباب ۳ (سفر خروج) رسیده خواندم ٠ موسی گله پدر زن خودرا رانده و بحوریب آمد وفرشته خدادر شعلهٔ آتش ازمیان بوته براو ظاهر گشت . چون دید بوته آتش گرفته ونمیسوزد بطرف ان متوجه شد خداوند دید موسی برای دیدن متوجه بأن طرف است خدا ازمیان بوته ندا در داده و گفت ای موسی من هستم خدای پدرت ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب ـ انگاه موسی روی خودرا پوشانید زیرا ترسید بخداوند تماشا کند ٠

ـ آقای قس ـ آیا فرشته که بموسی ظاهر شد خدا وخداوند بود یادیگری ؟

﴿ قس ﴾ . فرشته خداوند غیر ازخداوند است . میخواهی بگوئی توریة بین خدا وفرشته خداوند خبط کرده واشتباه ورزیده است ــ مگرممکن نبود بگوئید (آنکه براو ظاهر گشته فرشته بود وخداوند بااو تکلم فرمود ؟)

﴿ عمانوئیل ﴾ پس چرا توریة میگوید ٠ موسی ترسید بخداوند تماشا کند ، مگر خداوند جسم است ودیده

می شود ؟

﴿ قس ﴾ . نهٔ . نه . خـداوند جسم نیست و دیده نمیشود . بخوان .

— ﴿ خداوند کذب آموز نیست ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم « خداوند بموسی خطاب فرموده وگفت برو ومشایخ اسرائیلیان را جمع کرده بایشان بگو « یهوه » خدای پدران شما ابراهیم و اسحق ویعقوب بمن ظاهر شـده وگفت هرآینه ازشما وآنچه بشما درمصر کرده اند تفقّد نموده ام وگفتم شمارا ازمذلّة مصر بیرون آورده بزمین کـنعانیان وحتّیان واموریان و و و زمینی شیر وشهـد دراو جاری است — گفتم ـ آقای قس ـ دراین تبلیغ قرار خـداوند باشیوخ اسرائیلیان این بود که آنها را ازمذلّت مصر بیرون آورده بفلسطین وشرقیّ اردن برساند ـ ولی ـ بدون فاصله درشماره بعد میگوید (اگر اسرائیلیان دعوت تورا قبول نمودند تو با شیوخ اسرائیلیان نزد پادشاه مصر رفته بگوئید خدای عبرانیان مارا ملاقات کرده . والآن سفرسهٔ روزه را برویم تا برای یهوه خدای خود قربانی نمائیم » — آقای قس — مگر بنا نبود

خداوند انها را از مذلّت مصر بیرون آورده بفلسطین وشرق اردن برساند . پس چگونه امر داشته که موسی وشیوخ اسرائیلیان بفرعون بگویند ، خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده والآن سه روز راه پیموده برای خداوند قربانی نمائیم ، وشیوخ اسرائیلیان کهِ را ملاقات داشتند . کی . کی . کجا . خداوند آنها را ملاقات نمود ؟ فقط در حوریب با شخص موسی تکلم فرموده ومأمور بتبلیغ بنی اسرائیل شد ـ کتاب خداوند کجا واین عمل زشت کجا است ـ توریة در عدد ۳ باب ۵ میگوید موسی وهرون هم بهمین دروغ رفتار نمودند ـ مضحک است ـ از محل اسرائیلیان که در رعمسیس مصر بود تا نزدیکترین موارد خاك فلسطین بیشتر از ۲۰۰ میل وتا شرقی اردن ۲۲۰ میل وتا بریة سینا هم قریب ۲۰۰ میل است ـ نمیدانم در این سه روز آنهم بحرکت ملایم عیال واطفال پیاده ونشست روی گاو وگوسفند چگونه این مسافت طولانی را پیمودند ؟

﴿ قس ﴾ عجله در این جواب نخواهم نمود . بخوان بخوان

—﴿ خداوند خلف وعد نمیفرماید ﴾—

(عمانوئیل) باب ۳ و ٤ را خوانده قس هم تبسّم مینمود —

گفتم - آقای قس - در این دو باب سؤآلاتی است ومطالب را مختصراً عرضه خواهم داشت تورةٌ میگوید (۱) — « بخداوند بموسی وعده فرموده . مصریان را بعقوبات معجزات بکوبد . پس از این فرعون اسرائیلیان را رها کند خداوند هم مصریان را وادارد امتعهٔ طلا و نقره ولباس باسرائیلیان عاریه وامانت دهند تا اسرائیلیان ان امتعه را استلاب نمایند . خداوند همدست موسی وهرون میباشد انچه باید بگویند یاد میدهد . موسی هم معجزاتیکه خداوند بردست اوجاری مینماید وفرعون را بآن مبتلی میکند همه را مشاهده خواهد نمود » — وسپس تورةٌ میگوید « پس از اینکه موسی بطرف مصر متوجه شده وبوعدهٔ حق بشاش وبتبلیغ امر تصمیم داشت خداوند در بین راه باو برخورده وخواست موسی را بکشد ا برای جلوگیری ازمعنی تمهیدی بنظر « صفوره » زن موسی میرسد وفوراً سنگی تیز برداشته پسر خود را ختنه مینماید وپای موسی را بخون ان رنگین کرده وخداوند هم موسی را رها میفرماید ! - آقای قس - آن وعده ها با قتل چه مناسبت دارد ؟ چگونه

---

(۱) عدد ۱۹ باب ۳ تا ۲۷ باب ٤

بزرنگی « صفوره » موسی را رها نمود

نیز عدد ۱ تا ۱٤ باب ٤ خداوند بموسی آیات عصا وید بیضا ء داده وبطرف فرعون ارسال فرمود . ولی . موسی از این ارسال بسبب کندی زبان وعدم فصاحت خود اعتذار مینماید لذا خداوند او را نصیحت فرموده و گفت بار بانت خواهم بود وتورا خواهم آموخت — مراجعه فرمائید — با این عهد هم موسی میگوید « بشنوای آقا بفرست بدست هرکه میفرستی » آیا این اظهار اظهار کسی است که بوعدهای خداوندی تصدیق واطمئنان داشته ورسالت را میپذیرد ؟ — آقای قس — آیا پیغمبر خداوند باین سوء ادب وخشونت باحضرت احدیت مکالمه میکند ؟

—﴿ شرم آوراست ﴾—

توریة عدد ۱٦ این باب میگوید خداوند بموسی گفت (هرون دهان تست . تو یزدان خویش باش) — مجدد در باب ۷ عدد ۱ که خداوند بموسی گفت « خداوند فرعون هستی . وهرون هم پیغمبر تو میباشد » — آقای قس — عدد ۱۳ باب ۲۳ . در همین توریة خواهیم خواند خداوند بموسی و بنی اسرائیل

فرمود « اسم خدایان دیگری را نخوانید واز دهان تو شنیده نشود » — افسوس . افسوس عمر عزیز خود را باین بیانات بیهوده وشرم آور توریه تلف نمودم

— جلال خداوند وعهد قديم —

(قس) عزیزمن — بایست اداء مجد وجلال خداوندی را بطرز پسندیده ومعقولی داشته وبجهل مرکب اتکاء ننمائیم وکورانه سلوك نداریم

شایسته است بیانات همین توریه را بمیزان کتب « عهد قدیم » گذاشته وبسنجیم « تفسیر یکدیگر نماید این کتب » همه از یك سر چشمه آب میخورند — کتاب « ارمیا » کتابیکه جماعت یهود ونصاری انرا وحی الهی پنداشته . در عدد ١٠ باب ٤ میگوید (پس گفتم آه ای خداوند یهوه این قوم واورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انکه شمشیر بجان رسیده است » — (سفر اوّل پادشاهان وسفر دوّیم ایّام) اسفاریکه این دو گروه ازانها بوحی الهی تعبیر میدارند عدد ١٤ تا ٢٣ باب ٢٢ پادشاهان اوّل وعدد ١٣ تا ٢٢ باب ١٨ ایّام دوّیم بیك لفظ متذکّر کنند

« ميخا » پسر يمله به « اخاب » ملك گفت بشنو كلام خداوند را . ديدم خداوند بر كرسي خود جلوس نموده ولشكر آسمانی براست وچپ او . فرمود كيست ؟ اخاب را اغوآء نمايد پس هريك عرض اندام كرده ونظريات خورا اظهار داشتند . روح برخواسته برابر خداوند ايستاد و گفت من اغواء ميكنم . خداوند فرمود بچه ؟ گفت دردهان انبياء روح كذب خواهم شد . فرمود . ميتوانی واغواء خواهی كرد . برو وبكن — ای عمانوئيل اين است كتب وحی ما (گر كه سنجيش بمعقول . بمعقول بسنج) ولی . مجله ندارد

عدد ۳ باب ۱۲ سفر اعداد است كه « موسی بسيار حليم واز تمامی مردم حليم ترميباشد » — مضحك است — اين را گفته واز طرفی در ابواب ديگر است . عدد ۲۲ باب ۵ سفر خروج . « نزد خداوند برگشته (موسی) گفت . خداوند چرا بدين قوم بدی كردی چرا مرا پيغمبری فرستادی » عدد ۳۲ باب ۳۲ سفر خروج پس از انكه اسرائيليان پرستش گوساله نمودند . ميگويد « خدايا الآن هرگاه گناه ايشان را بيامرزی والا مرا از دفترت بيرون كن » عدد ۱۱ تا ۲۲

باب ۱۱ سفر اعداد است (مختصر) موسی بخداوند گفت « چرا بنده خود بدی نمودی - مگر من اینهارا زائیدم. گشت از کجا بیاورم - برمن دشوار است — خداوند فرمود — خداوند بشما گشت میدهد . نه یك وده روز بلکه یك ماه است میخوربد تامال کنید . موسی گفت قومی که در میان آنها هستم ششصد هزار نفرند آیا گوسفندان و گاوان ذبح میشود یا تمامی ماهیان دریا جمع میشود تا برای ایشان کفایت کند خداوند بموسی فرمود آیا دست خداوند کوتاه گردیده . الآن خواهی دید » . . عدد ۳۳ مزمور ۱۰۶ (موسی بلبهای خود ناسزا گفت) دراصل عبرانی « ویبطا بشفتیو »

(عمانوئیل) - آقای قس — من از شما یك سؤآل نمود ودر جواب بحیرتم میافزائید . ای کاش میدانستم مقصود از این اظهارات است چیست

(قس) ذکاوتت کجا رفته ؟ « برخیزان که خود زمشرق عرفان کند طلوع »

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم عدد ۱ تا ۱٤ باب ۱۲ . (ملخص)

خداوند اسرائیلیان را بقربانی امر فرموده و گفت هر یك سردر ودو قائمه اطراف آن را بخون قربانی خود رنگین دارند تا خداوند حال زدن مصر این علامت را دیده از آنها بگذرد ،
گفتم - آقای قس - میفرمائید خداوند خانه های بنی اسرائیل را نمیدانست ؟ تمیز نمیدارد ؟ محتاج بنشانه است - خوب - بفرمائید - خداوند چگونه میگذرد ؟

﴿ قس ﴾ این را هم برامثال افزوده ودر دفتر خود بنویس .

—﴿ اختلاف تراجم . وتحریف بعض آنها ﴾—

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۲۸ باب ۲۲ . اصل عبری است . « الُهیك لا تقال ونسيٌ بعمك لا تأر » . ترجمهٔ حرفی « خدایانت را ناسزا مگو ورئیس قومت را لعن مکن » . ولی مترجمین در اینجا بازی کرده اند . ترجمهٔ یونانیه بجای « لعن مکن : بدمگو گذشته . وتراجمیکه در صفحهٔ ۲٦ از نظر محترم گذرانیده ام درنسخه ۳ و ٤ و ٥ نوشته است « بخداوند ناسزا مگو ولعن منما رئیس قومت را » نسخهٔ ۱۰ هم قریب بهمین مضمون است : نسخهٔ ۱ و ۲ « سب مکن

قاضیان را و رئیس قومت را لعن مکن » مانند نسخهٔ ۷ و ۸ و ۹
ـ آقای قس ـ چگونه روحانیان لفظ « آلهیك » را بقاضیان
ترجمه نموده اند ؟ ـ بله . بله ـ کسیکه خدا تراش شده بأین
نوع ترجمه متعمد است وباکی ازاین تحریف وترجمه نخواهد
داشت . (زروحانی این گونه شایسته نیست) . چرا جهت
چیست ؟

(قس) یعنی تاکنون سربسته هم نفهمیده وجهت را ندانسته
اید ؟ مقصود شما را نفهمیدم ؟ . بخوان

جسم مرئی خدا نمیباشد

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۹ و ۱۰ و ۱۱ باب ۲٤ « وموسی
باهرون وناداب وابیهو وهفتاد نفر از شیوخ بنی اسرائیل بالا
رفت ۱۰ وخدای اسرائیل را دیدند وزیر پاهایش مثل صنعتی
ازعقیق آبی شفاف ومانند ذات آسمان در صفا ۱۱ وبر
سروران اسرائیل دست خود نگذاشت پس خدا را دیدند
وخوردند وآشامیدند » گفتم ـ آقای قس ـ مگر خداوند جسم
مرئی است ؟ برای او هم پا میباشد ؟

(قس) . حاشا . خداوند جسم نیست ودیده نمیشود . ولی .

این حکایت در قرآن هم میباشد ؟ . مراجعه نمائید

﴿ قرآن میزان حقیقت است ﴾

(عمانوئیل) آیهٔ ۱۵۲ سورة نسآء (يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَاباً مِنَ السَّمَآءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ) اگرچه انزال کتاب از آسمان بزرگ و خلاف عادت است . ولی . رؤیت خداوند بزرگتر و خلاف عقل و عادت میباشد . . آیهٔ ۵۲ سورهٔ بقره اسرائیلیان را سرزنش نموده . میفرماید (وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ) در حالتیکه خواستار رؤیت یانگران صاعقه اید (۵۳ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) ـ پس قرآن این تمنّا را درخواستی سفیهانه میشمارد

﴿ قس ﴾ بله . بله ــ بخوان

﴿ غلط توریهٔ عبری ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خوانده . خوانده و بر اوقات گران بهای خود افسوس میخوردم . تا بعدد ۲۱ باب ۱۱ سفر « لاویان » سوّمین

اسفار توریهٔ رسیده . خواندم « امّا از تمامی حشرات پرنده که بچهار پا روانند که بالای پای آنها ساق برای جستن بر زمین دارند ایشان را بخورید » در تراجم عربی « هذا تأكلونه من جميع دبيب الطير الماشي على اربع وهو ماله كراعان فوق رجليه يثب بهما على الأرض » . گفتم . ـ آقای قس ـ آنچه در توریهٔ عبرانی « اشر لا كرعيم ممعل لرجليو » ترجمه « آنچه ساقها بر پاهای خود نیست » پس چگونه نفی را باثبات ترجمه داشته و ندانسته اند درصورت اثبات باید « اشر لو كرعيم » باشد . چون « لو » در عبرانی بمعنی « له » عربی و « برای او » فارسي است و « لا . ونه » در عبرانی و عربی و فارسي بيك معنی است

﴿ قس ﴾ این غلط در توریهٔ مکرّر است . عدد ۳۰ باب ۲۵ سفر لاویان ترجمهٔ عربی « البيت الذى فى المدينة ذات السور » فارسي « خانهٔ که در شهر حصار دار است » همچنین سائر تراجم . ولی . توریهٔ عبرانی باز « لا » بجای « لو » مرادف « برای او » گذاشته . میگوید « هبيت اشر بعير لا حمه » . . . عدد ۷ باب ۲۱ سفر خروج « ترجمین مینویسند « که او را برای خود

نام زد کرده ، تورىة عبرانى « اشر لا يعده » (که اورا نام زد نکرده) ـ حواشي عبرانى در تمامی ان موارد غلط مزبور را تصحیح کرده و بجای « لا » « لو » مینویسند . قرائت وتراجم هم بهمین نهج جاریست (حواشي تورىة عبرانى را مراجعه کنید . بیشتراز صد مورد درحروف افزوده یا کاسته یاتبدیل نموده اند . قرائت وتراجم هم بنهج حواشي جاری است . زیرا که غلط اصل عبرانى بدیهی است . ولی شدّت تعصب اصل عبرانى را برصورت مغلوط گذاشته ودرحواشي تصحیح نموده اند

﴿ عمانوئیل ﴾ این غلط مکرّر درکتاب آسمانی ؟ آنهم باشنونده ونویسنده مثل موسی تعجب است ؟ بفرمائید از کیست . از کجا است . از چه وقت است (شکیب رفته زکف تا بکی شکیبائی) شما پیی درپیی فرموده من بنویسم ـ بفرمائید . بفرمائید

﴿ قس ﴾ عجله مکن (ستبدی لك الایّام ما کنت جاهلاً) صبرنموده . خود دارای کن (بکوشش بهره مندان بهره مندند) قرآن مجید میفرماید (والّذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا)

(عمانوئیل) تعجب است . میبینم . بقرآن مثل زده واستشهاد میدارید .

—﴿ قرآن مجید و بین پیغمبر او ﴾—

﴿ قس ﴾ . چرا . بقرآن مجید مثل نزد و استشهاد ندارم . نمی بینی . دارای حکمت وفلسفه حقایق . وحقیقت ارشاد است

﴿ عمانوئیل ﴾ — آقای قس — می بینم — پی در پی قرآن تمجید مینمائید . آیا میفرمائید وحی الٓهی است ؟

(قس) (خود مجید است نه تمجید نمایم ان را) لازم نیست که بگویم وحی آلٓهی است . بله . کتاب حکیم علیم است وبگانه کتاب آبرومند درحکمت . درهیچ بابی داخل نشده مگر حقایق را بهترین بیان جلوه دهد (آنهم) باانکه (محمد ص) بااعراب وحشي بت پرست زیسته ودرآنها پرورش یافت آنهـا هم از فلسفه ومعـارف ومدنیت واجتماع بهره نداشتند

(عمانوئیل) پس (محمد ص) این علوم راکجا دیده وبچه مدرسه مهاجرت نموده است ؟

(قس) (محمد ص) شخصي امّی بوده نمیخواند ونمینوشت .
ودر این مدّت وطن واقوام وحشي خودرا مفارقت نداشته
فقط مدّت مختصری باخویشان خود بشام بعزم تجارت
مسافرت نمود بعادت بادیه نشینان که بشهر رفته وشهر چهار . پنج
روز آزوقه خریده و برمیگردند . هیچ درسي نخوانده وآموز
گاری نداشت . بتاریخ مراجعه کنید

(عمانوئیل) – آقای قس – ازاین بیانات سرشار محترم بهره مند
گردیدم . ولی . متأسفانه بی پرده نمیفرمائید ویکمرتبه آسوده
خاطرم نمیکنید

﴿ قس ﴾ این مطلب را گذاشته – بتوریة ودرس خود
مراجعه کن

(عمانوئیل) توریة را خوانده . ودران خرافات ذکر شده
وکفرهای پی درپی مشاهده مینمایم – ولی – قرآن همین
قسم است که میفرمائید . درهر بابی که داخل شده بهترین
بیان حقائق پوشیده را جلوه میدهد — دراین صورت —
باز بگویم توریة کتاب خداوند وقرآن کتاب بشر است ؟ .
آنهم بشریکه در بین یك دستهٔ بت پرست وحشي پرورش

یافته وتحصیلی هم نداشته است وصاحب یگانه کتاب هدایت وحکمت میباشد. کتابیکه. مصالح دینی وسیاسي واجتماعی وفلسفی دانشمند در آن خوض نموده و استفاده مینماید

﴿ قس ﴾ (خندان) عجب است !! مگر در عهد جدید مقدس عدد ۲۱ و ۲۵ اولین نامه که باهل قرنتس است نخوانده اید ؟ نگفت (خداوند پسندید که مؤمنین را بجهالت موعظة یاحماقت موعظة خلاصي دهد - زیرا که جهالت خداوند . یا حماقت خداوند از مردم حکیم تر است !!

(عمانوئیل) - آقای قس - اگر بهمین سؤآل مسلمانی بمن اعتراض میداشت . جواب هم این بود . آیا میپزیرید . بمثل جواب شما بآنها جواب بگوییم !

(قس) تو هم قبول داری ؟ !

(عمانوئیل) نه - آقای من

(قس) پس عقل خودرا حاکم نموده . وبخوان (برخوان که برآید از افق هور)

﴿ جلال خداوند . قدس انبیاء . بیانات عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱۲ باب ۲۰ سفر اعداد

(خداوند بموسی وهرون گفت چونکه بمن ایمان نیاورده اید) . گفتم ـ آقای قس ـ مگر موسی وهرون بخداوند ایمان نداشتند ؟!

﴿ قس ﴾ نیز عدد ۱٤ باب ۲۷ اعداد است خداوند بموسی وهرون خطاب فرمود « شما از قول من عصیان ورزیدید » . . عدد ۵۱ باب ۳۲ سفر تثنیه « مرا خیانت نموده اید » — ای عمانوئیل — یک نفر از قسیسهای محترم ما . موسوم به « ولیم اسمت » بذکر اسحق پیغمبر رسیده . ومی بیند که توریة باین شخص نسبت دروغ داده . وسائر پیغمبران هم دروغ گو . و . شمرده است « میگوید » کمال در بشری موجود نیست مگر در یگانه کامل بی نظیر . واسف آور است مقربان الهی هم محتاج بوعظ باشند « بکتاب قسیس مذکور « طریق الاولیاء » مراجعه فرمائید

(عمانوئیل) . گویا . ولیم است نمیدانست توریة بخداوند متعال هم نسبت کذب داده . ومار را اصح وراستگو میداند . البتة . حکایت آدم ودرخت ومار ونهی خداوند را فراموش نفرموده اید « نیز » در بدو ارسال موسی امر نموده که موسی

باشیوخ اسرائیلیان نزد فرعون رفته ودروغ بگویند . عدد ۱۰ باب ٤ کتاب ارمیا « گفتم ای خداوند یهوه این قوم واورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انکه شمشیر بجان رسیده است » استعانتی هم که خداوند متعال برای اغواء اخاب بروح کذب داشت مراجعه فرمودید : آن مواد هم در صفحهٔ ۹ و ۱۱ و ۹۲ تا ۹۷ مذکور است واین گونه نسبتهای زشت درکتب وحی ما سرشار میباشد «نمیدانم» ولیم اسمت . این امور را ندیده یاخود داری کرده است - آقای قس - بفرمائید مقصود ولیم اسمت از یگانه کامل بی نظیر کیست ؟

(قس) آیا مسیح نیست ؟

(عمانوئیل) درعدد ۲ تا ۱۱ باب ۷ انجیل یوحنا . برادران مسیح باو گفتند دراین عید یهودیه وبیت المقدس بروید مسیح گفت شما بروید من دراین عید نخواهم رفت . سپس خودش مخفیانه میرود . آیا . این دروغ نیست ؟ کاش اناجیل ما بهمین نسبت زشت اکتفا نموده ودامان قدس مسیح را بچیزهای دیگری چرکین نمیداشتند ـــ جزء اوّل (الهدی) صفحهٔ ۱۹۷ تا

۲۳٤ متذکر است مراجعه فرمائید . کاش ولیم اسمت حاضر بوده مسیح را هم موعظه میداشت

(الیعازر) مدیست بقرائت توریة ومذاکرات شما گوش داده ـ نمیدانم بیانات توریة را انکار کرده یا حق کشي نمایم ـ زیرا که کتاب خداوند است . واز طرفی بیانات آن بکلّه فرو نمیرود ـ جناب قس ـ (بگو . بگو . مگذر کو فرار گاه مرا)

(قس) بنور هدی وتوفیق یگانه فرزند دانشمندت عمانوئل در اطراف این مطالب بحث مینماید وامیداست بزودی موّفق وبهره مند شود — (من) نمیخواهم بدون برهان ومراجعهٔ وجدان قول احدیرا تصدیق نموده ومترصّد تصدیق وتکذیب من یادیگری باشید . انشآء الله بمذاکرات ما گوش داده بهره مند خواهی شد . ممکن است شما هم درضمن مذاکرات ما استیضاح نمائید

—﴿ جرئت . وسوء ادب ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ درشمارهٔ ۹ صفحهٔ ۲٦۸ و ۲٦۹ و ۲۷۵ مجلة العرفان صیدا است دست یکی از تلامیذ مکتب فرار کتابی فرانساوی چاپ سنهٔ ۱۹۲۳ مشاهده نموده واسم کتاب مختصر

تاریخ فرانسه است و در پشت آن مؤلفین را جماعتی از استادها نوشته اند . واز مکتبهٔ کاتولیکی در لیون و پاریس شخص خواستار بطلبد — از مندرجات ان کتاب در چاپ تازه صفحهٔ ۲٤ ودر چاپ کهنه صفحهٔ ۲۲ این دو جملهٔ زشت موجود است (۱) « اصل عرب از بلاد عربیه است و دین محمد دروغگو را اختیار نموده اند . اینکه بر اتباع خود واجب ومقدس نموده دین خود را بقوهٔ سلاح نشر داد (۲) « آنهائی که متابعت پیغمبر دروغگوی خود را داشته اند . . . » — نیز مجلهٔ ارشاد بغدادی صفحهٔ ٤ و ٥ عدد ۳۲ روز شنبه سنهٔ ۱۳٤٥ مقالتی بامضاء وتوقیع جمعیت عالمیه صلیبیه برای تنصر عالم و بلاد عرب نقل نموده ومرکز این جمعیت عمارة ۱۹ اهیلندرود ابرونورود لندن . ورئیس جمعیت مستر استنند ومراقب (قس بارکلاین است) از تحریات آن مقاله هم این دو جملهٔ زشت میباشد (۱) « برای عرب دعا کنید تا خداوند آنهارا از شیطانیکه برای آنها کتابی بیهوده ساخته وفریب خورده اند نجات دهد . وآن قرآنیست که محل کلمة الله الحیه « یعنی اناجیل » جای گرفت » — (۲) « حجاج زیادی برای حج مکة قطع بیابانها مینمایند وذرمکه

تولد ان پیغمبر دروغگو است ! ! « — آقای قس — چرا اوّلاً
این نویسنده گان بادب اناجیل رفتار نکرده ونگهبان شرف
دین وانسانیت نیستند ؟ به پیغمبر مسلمانان این گونه ناسزا
میگویند واورا دروغگو میخوانند . مگر عدد ٤٤ باب ٥ انجیل
متی و ٢٨ باب ٦ انجیل لوقا از تعلیم مسیح نیست « واز برای
آنها که شما را لعن میکنند برکت طلبید » ندیده اند — روشن
وبدیهی است که چهل سال از سنّ انحضرت گذشته وهمهٔ مردم
دراین مدّت او را (راستگوی امین) مینامیدند وهمچنین
بعد از این مدّت وتا حال هجرت از مکه دوست ودشمن اموال
قیمت دار خود را نزد او ودیعه میگذاشتند . بله . بله مردمان
وحشي بُت پرست از روی ضعف بشرك درخصوص دعوت
توحید وصلاح وشریعت مدنیه اورا تکذیب مینمودند
. ازجملهٔ این دعوت (لا تقولوا ثلاثة انتهوا خيراً لكم انّما
الله آله واحد) است . پس چرا قوم ما بنا براعتقادیکه بلوث
دارند فقط دراین موضوع اورا تکذیب نموده اند ؟ ! — آقای
قس . آقای قس — مگر شایسته است باین یگانه کامل ومصلح
بزرگ ناسزا گفته وخود را درعالم دین وانسانیت ننگین دارند

﴿ قس ﴾ میگویند (چه گویم که نا گفتنم بهتر است) . ولی . باید گفت چنانچه تاریخ متذکر است « پیغمبر مسلمانها دین خود را بجدیت و لطف دعوت وکمال تحمل ترویج داشته . وبقوت سلاح پیشرفت نفرمود . بلکه بعد از دوازده سال نظر بجلوگیری بت پرستان از پیشرفت موحدین وظهور توحید . وحملات خونین مشرکین . انحضرت هم بمقدار لازم دفاع فرموده وحمایت حقوق میداشت - ای عمانوئیل - تاریخ زنده گانی این یگانه مصلح کامل مراجعه نموده وبه ببین که در تمامی حروب سبقت بستیزه نمود وستیزهٔ عدوانی نفرمود

(الیعازر) — آقا . آقا — گرفته نشوید . مگر توریة وکتب عهد قدیم خداوند جل وعلا را کاذب وکذب آموز نداشته است . مگر کتب عهدین مسیح وجمله از انبیاء را کاذب نشمرده اند . اینها هم به پیروی کتب وحی خود نموده . پیغمبر مسلمانانرا هم مانند خدا ومسیح وجمله از انبیاء کاذب میشمارند (عیب باشد دروغ یا هنر است) ؟ نمیدانم

(قس) - عمانوئیل - شما هم گرفته نشوید . اهمیت ندارد . بخوان . بخوان

—﴿ توریة وقتل زنان . وکودکان ﴾—

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۱۷ و ۱۸ باب ۳۱ سفر اعداد دیدم (پس از انکه اسرائیلیان بر مدیانیان غلبه نموده وزنان وکودکان آنهارا دستگیر واسیر داشتند موسی امر داشت پسران کودك وزنان ثیبه را کشته ودختران باکره را برای خود نگاه دارند وعدهٔ انها سی ودوهزار بود — یکمرتبه صورت خودرا بطرف پدر وقس کرده گفتم مگر قتل زنان وکودکان شریعت الهی است - وای . وای . در صورتیکه عدهٔ دختران باکره سی ودوهزار بود عدهٔ پسران کودکان وزنان مقتول چه قدراست ؟

(قس) ای عمانوئیل . عدد ۳۴ باب ۲ سفر تثنیه متذکر است (موسی گفت) (تمامی مردان وزنان وکودکان شهرهای اموریان را هلاك کرده واحدی راباقی نگذاشتیم) در عدد ۶ باب ۳ سفر مذکور است (وتمامی مردان وزنان وکودکان مملکت عوج را هلاك نمودیم) — عدد ۳۴ باب ۲۱ سفر اعداد تذکار میدهد (این اقدام هم بأمر خداوند بود) . خوب است عدد ۱۶ و ۱۷ باب ۲۰ سفر تثنیه را مراجعه

داشته به بینید چگونه خداوند اسرائیلیان را امر نموده و گفت (شهرهای حتّیان واموریان و کنعانیان وفرزیان و یبوسیان تاراج کرده وازبشر و بهائم هیچ نسمة ودیّاری را باقی نگذارند) .. یوشع هم درمحاربات خود همین قسم نموده وعدّهٔ مقتولین ان غزوات بیشتراز صد هزارزن وکودك بود (بسفر یشوّع مراجعه شود)

﴿ عمانوئیل ﴾ حماقت این شریعت شخص را خندانیده . وقساوت او میگریاند (بهرهٔ قتل چارپایان چیست) ؟ قتل زن وکودک چه قدر مؤثر میباشد وشخص رامیگریاند — پدر . پدر بزرگوار وجدان شما میپسندد قتل زنان وکودکان شریعت الهی بوده باشد ؟

(الیعازر) شریعت خداوندی باین درجه قساوت وبربّریت نبوده ونخواهد بود . ولی . باحضور حضرت قس اظهار عقیده از من بیجا است وامیداست سبب رابیان فرمایند

﴿ قس ﴾ گویا گذارشهای سابقیکه دراطراف انها کنجکاو بوده ونمیدانستیم بیانات توریه است ؟ یا . . . فراموش نموده واینك از سبب همین یك گذارش سؤآل

میسمائی .
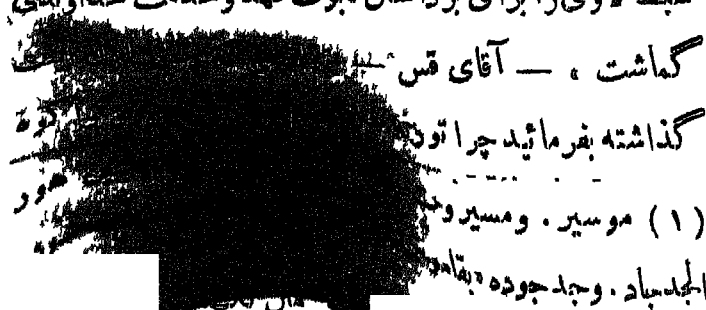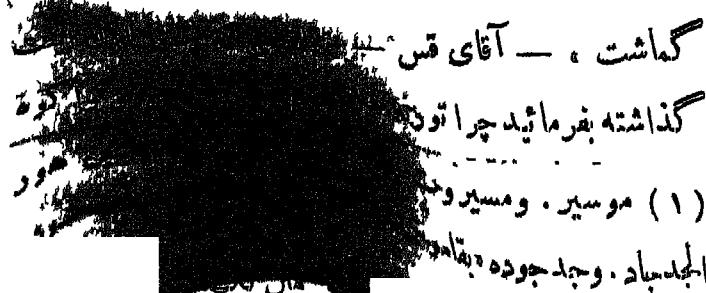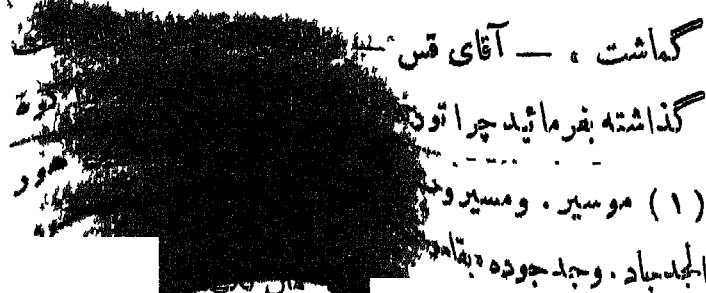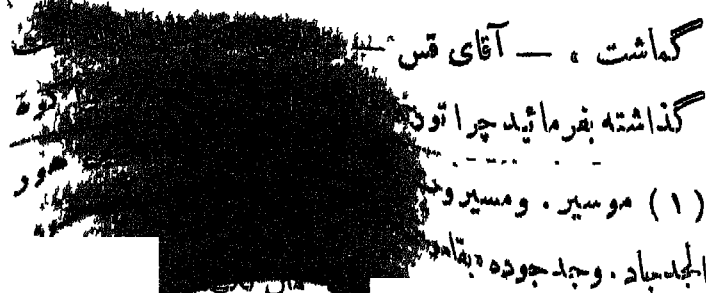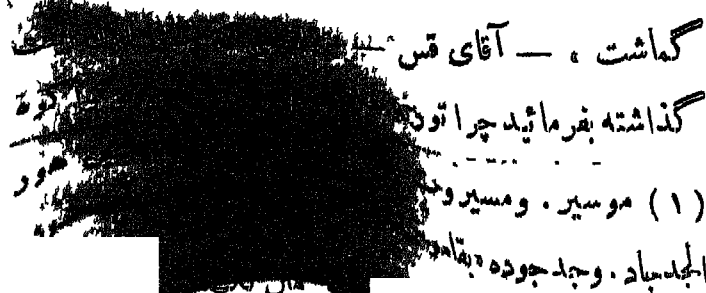
(الیعازر) خوب . خوب . مسبوق شدم . سبب تمام را بفرمائید

(قس) خود داری نمائید . گفته اند (هر سخن جائی وهر نکته مکانی دارد) — عمانوئیل . عمانوئیل . بخوان . بخوان .

—﴿ منازل اسرائیلیان وتوریة ﴾—

(عمانوئیل) باب ۳۳ سفر اعداد . بترتیب . منازل اسرائیلیان را از مصر تا عبراردن محل وفات موسی ذکر مینماید - میگوید - از طور سینا تا موسیر ومسیروت ۱۵ منزل است سپس . چاههای بنی یعقان . هور الجدجاد . . یطباث . عبرونه . عصیون جابر . بیابان صین . قادش . کوه هور مردنگاه هرون . صلمونه . فونون . اوبوت . عی عباریم . دیبون جاد . علمون دبلاتایم . عربات مواب مقابل اریحا - ودر باب ۳ و ٤ و ۸ و ۱٦ سفر اعداد استکه خداوند سبط لاوی را برای خدمت خیمهٔ اجتماع وبرداشتن تابوت عهد در دامنهٔ طور سینا (فرود گاه اسرائیلیان) مقرر فرموده است . وبدیهی است نوشتن

دولوح عهد وبخشش آنها ازخداوند درمرتبهٔ اوّل ودوّم در سینا بوده وقبل ازحرکت اسرائیلیان از سینا

(قس) غرض شما ازاین بیانات چیست ؟

(عمانوئیل) مقدّمهٔ تقدیم داشته وسپس مقصود خودرا عرضه خواهم داشت ـ شروع بقرائت کرده بباب ١٠ سفر تثنیه رسیدم . عدد ١ تا ٩ میگوید . مذاکراتیکه موسی باخداوند مرتبه دوّم دراطراف دولوح داشته وروزه که گرفت مانند مرتبه اوّل چهل روز بود — دراین بین کلام را بی ربط بریده میگوید « واسرائیلیان ازچاههای بنی یقعان بموسیر (١) کوچ کرده ودرآنجا هرون مرد وپسرش العازر را بکهانت پرداخت وازآنجا بجدجوده وازجدجوده به یطباث که محل آبهای جاری است رفتند ودراین وقت خداوند سبط لاوی را برای برداشتن تابوت عهد وخدمت خداوندی گماشت » — آقای قس [illegible] گذاشته بفرمائید چرا تو[illegible]

(١) موسیر . ومسیر و[illegible] الجدسباد . وجدجوده [illegible]

هور گفته ودراینجا موسیر میشمارد . نمیداند موسیر هشت منزل قبل از (کوه هور) است ؟! بفرمائید قصه دولوح وخدمت گذاری لاویان چه مربوط باین جمله بود ؟ نمیدانم توریة هم مانند اسرائیلیان تمرّد حضرت حق نموده ودر ترتیب منازل ومردنگاه هرون سرگردانست

﴿ قس ﴾ راست میگوئید هیچ یك بسابق خود مربوط نیست وبین انها تناقضات بزرگیست ولی (چکنم . چاره چیست آه افسوس)

(عمانوئیل) - شنید نیست - ترجمهٔ که در سنهٔ ۱۸۱۱ طبع گردیده خودسرانه دراین مقام توریة تازه مینویسد . میگوید « هنگامیکه خداوند شفاعت مرا راجع بهرون پزیرفته ایستاد تا اسرائیلیان از چاههای بنی یعقان وموسیر کوچ گردند » اصلح این ترجمه وسائر تراجم واصل عبرانی را مراجعه فرمائید . این نویسنده بیچاره جمله « وهنگامیکه خداوند شفاعتم را راجع بهرون پزیرفته وایستاد تالفظ « تا » بر توریة عبری وسائر تراجم افزوده است . متأسفانه باین زیاده بیخود هم اصلاح خالی نداشته وکلام را پیوسته نموده .

(قس) (آنچه نخواهی شده بگذر بخوان

—﴿ پیغمبر موعود . و توریة ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم . خواندم تا بباب ۱۸ سفر تثنیه رسیده عدد ۱۵ تا ۲۳ میگوید در تبلیغ موسی به اسرائیلیان وحی خداوند را « یهوه خدایت نبی را از اقرباء تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید . موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده گفتی آواز یهوه خدای خودرا دیگر نشنوم واین آتش عظیم را دیگر نه بینیم مبادا بمیرم . وخداوند بمن گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی را برای آنها ازمیان برادران ایشان مانند تو مبعوث خواهم کرد . وکلام خودرا دردهانش خواهم گذاشت وهرچه باو امر نمایم بانها خواهد گفت . وهرکس سخنانیکه باسم من گوید نشنود از او مطالبه خواهم نمود امّا نبی که طغیان کند باسم من سخن گوید که بگفتنش امر نفرمودم یا باسم خدایان دیگران سخن گوید البته این نبی کشته شود . اگر در دل خود بگوئی سخنی که خداوند او را نگفته است چگونه تشخیص دهیم . هنگامی که نبی باسم خداوند سخن

گوید اگر این چیزی که گفته است واقع نشود ویا نجام نرسد
این امریست که خداوند نگفته است بلکه ان نبی ان را از
روی مکر گفته ازاو مترس »
توریه را کنار گذاشته . گفتم . آقای قس . آقای قس . این
نبی موعود کیست ؟

﴿ قس ﴾ عهد جدید میگوید مسیح است . بطرس در عدد
۲۲ و ۲۳ باب ۳ اعمال رسولان بهمین کلام احتجاج نموده
واستفانوس هم عدد ۳۷ باب ۷ اعمال مزبور تجدید احتجاج
داشته ومیگویند مسیح همان نبی موعود در توریه است ـ مگر
شما تصدیق ندارید ؟

—﴿ مسیح . واناجیل ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ . نه اناجیل مقدسه نمیگذارد باور کنم —
انجیل متی عدد ۳۸ تا ٤۱ باب ۱۲ مسیح در جواب کتبه
وفریسیانی که مطالبهٔ آیتی ازاو نمودند گفت « طبقهٔ شریر وفاسق
مطالبهٔ آیتی دارند وجز آیهٔ یونس نبی باو داده نخواهد شد . زیرا
بنحوی که یونس سه شب وسه روز در شکم ماهی ماند پسر
انسان هم چنان سه شب وسه روز در شکم زمین خواهد ماند »

ـ مراد ـ معجزهٔ مسیح از خداوند آنستکه پس از موت در شکم زمین (یعنی قبر) سه شب وسه روز مانده وسپس زنده خواهد شد (با انکه) اناجیل درابواب أخیره میگویند درقبرنماند مگرآخر روز جمعه وشب ورروزشنبه وپاسی ازشب یکشنبه . وزنان پیش از طلوع فجر یکشنبه بسوی قبر شتافته واو را در قبر نیافتند وفرشته بآنها گفت مسیح از میان مرده گان بر خواست ـــ آقای من ـــ اناجیل مقدسه میگویند . مسیح سخن گفت بنام خداوند وآن سخن نیامده است . آنهم که دروغ بود ودر توریه" است « پیغمبر دروغ گو بایست کشته شود » پس بقول اناجیل مسیح پیغمبر موعود نیست ـــ اضافه بر این در همین اناجیل است که مسیح دیگران را هم (خدایان) خواند ـــ بعدد ۳۱ تا ۳۷ باب ۱۰ انجیل یوحنا مراجعه فرمائید « مسیح بیهود گفت چرا مرا سنگسار میکنید گفتند چون تو انسانی وخود را خدا میگردانی گفت در ناموس شما نوشته است که من گفته ام شما خدایانید پس آنهائیکه کلام خداوند بر ایشان نازل شد خدایان خواند وممکن نیست کتاب منقوض شود » ـ آقای قس ـ این انجیل میگوید مسیح قائل بتعدد آلهه بود

و در این امر بناموس یعنی مزامیر استشهاد نمود . گویا این مستشهد کلام خداوند را نفهمیده یا عمداً افترآء زده است چون هر کسی بمزمور ۸۲ مراجعه نماید میداند که (من گفتم شما خدایانید) در مورد انکار بوده و بر قاضیان جور و بی فهم و بی علم سر زنش زده است

و نیز اناجیل تعدد ارباب را بمسیح نسبت داده اند . باب ۲۲ متی و ۱۲ مرقس و ۲۰ لوقا متذکر است که مسیح پسری داود را انکار کرده بر این انکار دلیل میاورد « چگونه میگوئید مسیح پسر داود است با انکه شخص داود در مزامیر خود میگوید پروردگار به پروردگار من گفت بدست راست من بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو کنم و چون داود اورا بروح القدس پروردگار میخواند چگونه پسر او میباشد » —

آقای من — این گوینده و نویسنده در انمقام بتعدد ارباب اکتفا نکرده بلکه مزامیر را تحریف نموده و افترآء زده است . در اول مزمور ۱۱۰ اصل عبری است (نأم یهوه لأدنای شب لیمینی) ترجمه « وحی نمود خداوند بآقای من » یا « وحی خداوند برای آقای من » « آدن » در لغت عبری « آقا » و

« ادنای . آقای من است » (پروردگار) هم که در بین نیست . (آقا) هم ممکن است انسان باشد . آقای من . اگر در این تحریف سهل انگاری نمائیم پس تحریف زشت چیست وکدامست؟ بفرمائید . آقای قس . اناجیل ما بواسطهٔ این نسبتها ئیکه بمسیح داده میگویند . مسیح همان پیغمبر موعود در توریة نیست بلکه نقطهٔ مقابل آن پیغمبر درستکار موعود است ـ آقای من ـ کسیکه قائل بتعدّد آلهة وارباب . ومز امیر را علناً تحریف نموده آیا شایسته پیغمبری است ؟ یاچنانچه توریة گفته آیا دارای علامت متنبیّ کاذب وواجب القتل نیست ؟

. آقای من . در توریة است (که اسرائیلیان از شنیدن کلام خداوند ومصادفة اهوال وآتش عظیم ترسیده واز مقام احدیت خواستار شدند . خدایا بروش دیگر کلام خودرا صادر فرما . خداوند هم پذیرفته وفرمود . کلام خودرا در دهان آن پیغمبر خواهم گذاشت . ولی . بمقتضای عهد قدیم وجدید خداوند کلام خودرا در دهان مسیح وسائرپیغمبران سلف نگذاشته . بلکه تمامی آنها از روی الهام بکلام عادی خودشان

بامردم تکلم میدارند ـ آقای قس ـ توریة میگوید آن پیغمبر موعود ازبنی اسرائیل نیست واز برادران آنها است واز این مراجعه میداریم که مسیح بمناسبت مریم مادرش از اسرائیلیان است نه ازبرادران انها

(قس) درجائی دیگر بنی اسرائیل میگوید « ازمیان تست » مسیح هم ازمیان انها است

﴿ عمانوئیل ﴾ انچه درتوریة عبری است « مقربك » میباشد یعنی ازخویشان تست . نگفته « متوکك » زیرا وسط . ومیان درلسان عبری « ترك » است اضافه براین درشمارها پی درپی (ازبرادرانت) میگوید

﴿ قس ﴾ — عمانوئیل — پس چگونه تراجم مقدسهٔ ما « مقربك » رابه « من وسطك . ازمیان تست » ترجمه نموده اند .

—﴿ شترسوار وغرض رانی مترجین ﴾—

(عمانوئیل) ـ آقای قس ـ مترجمین کتب مقدسهٔ ما غرض رانی نموده وباینگونه تحریفات زشت وتصرفات فضیحت آور متهمند . تحریف « وحی پروردگاربافای من » رادرورق

قبل ذکر شده - ودر عدد ۷ باب ۲۱ کتاب « اشعیا »
به بینید که « سواران جفت . خرسوار وشترسوار » را به « فوج
سواران جفت جفت . سواران خرها وسواران شترها » تحریف
داشته واصل عبری را کنار گذاشته اند . اصل عبریست
« ورأه رکب صمد فرسیم رکب حمور ورکب جمل » سواران
درعبری « رکبیم » وباضافه « رکبی » اوّلاً در (سفرقاضیان)
عبری عدد ۱۰ باب ٥ وعدد ٤ باب ۱۰ وعدد ۱٤ باب ۱۲
مراجعه نموده . ولفظ شترها « جملیم » است، اوّلاً سفر تکوین
عبری عدد ٦۱ باب ۱۲ وعدد ۳۰ و۳۱ و۳٥ باب ۲٤ را
مراجعه فرموده . ولفظ خرها « حموریم » میباشد اوّلاً سفرتکوین
عبری عدد ۳٥ باب ۲٤ وسفراعداد . عدد ۲۸ و۳۰ و۳٤
و۳۹ باب ۲٤ را مراجعه فرمائید . ولفظ خر « حمور » است اوّلاً
سفر خروج عبری عدد ۸ و۹ باب ۲۲ ملاحظه شود . ولفظ
شتر « جمل » میباشد اوّلاً سفر لاویان عبری عدد ٤ باب ۱۱ وسفر
تثنیه عدد ۷ باب ۱٤ را مراجعه فرمائید

(قس) راستی (این تحریف فضیحت آوراست) ونمیدانم در
کدام ترجمه است.

(عمانوئیل) درجملهٔ ازتراجم چاپ بیروت وغیره میباشد از انجمله نسخ ۳ و٤ و٥ که درصفحه ۲٦ ذکر شد . بله . در نسخهٔ ۸ و۹ این تحریف نیست

﴿ قس ﴾ میدانی مقصودُ آنها از این تحریف چه بوُده است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ این کلام درکتاب اشعیا بنبوتی برجسته وریاستی دینیه اشاره داشته . ومسلمین هم مسیح را همان خرسوار . وپیغمبرخود (محمد ص) راهمان شترسوار میدانند . لذا . مترجین غرض رانی کرده خرسوار وشتر سواررا خرسواران وشترسواران نمودُه اند — بنده همچه تصوّرمینمایم .

(قس) ـ فرزند ـ این تحریف هم زیانی بمسلمین نمیرساند . وباز هم برای انها سودمند است

ـ ای عمانوئیل ـ فعلاً این را گذاشته . بگوئید . نظرشما در معرفت این پیغمبر موعودُ چیست ؟ وشخصیکه توریه میگوید (خداونداورا مانند موسی نصب مینماید) چه کس است ؟ وچه مدرکی داری

— پیغمبر اسلام —

(عمانوئیل) توجهی بپدر خود نموده سپس بحضرت قس اظهار داشتم اگرچه مذاکره و بحث بهترین وسیلهٔ کشف واقع است . ولی . من کجا واین معنی — بله . بله — مسلمانها برما اقامهٔ دلیل کرده ومیگویند توریه پیغمبر آنها (محمد) اشاره مینماید . بآنها گفتم خیر . خیر مسیح است . آنها هم ببیاناتیکه قبلاً بحضر عالی اظهار نمودم جواب مرا داده . دیگر جوابی نیافته با نها بگویم — بلکه پس ازاظهار عقیده گفتند پیغمبرما ازاولاد اسماعیل پسر ابراهیم است واز برادران بنی اسرائیل شمرده میشود . واین مطلب را تاریخ عرب وتصدیق قبائل اعراب در طبقات عدیده روشن داشته واذعان قحطانیان تأیید میدارد . والبته در صورتیکه قابل خدشه بود قحطانیان این فخر را برای عدنانیان نمیگذاشتند . و (محمد) ص شخصی است که خداوند کلام خود (قرآن) را بدهان و زبان او مانند کلام خود باموسی در کوه سینا گذاشته . نه بنحو کلام انبیاء باقوم خودشان در تبلیغ وحی خداوند را چنانچه در کتب عهدین است

﴿ اخبار پنهانی در قرآن ﴾

و نیز (محمد ص) بنام خداوند سبحان با مور غیبیه بزرگی در (قرآن) خبر داده . و تمامی واقع گردیده است ﴿ ۱ ﴾ آیهٔ ۹۵ سورهٔ حجر مکیة است که در بدء بعثت مردم را بدین مقدّس اسلام دعوت میداشت و خداوند هم اورا بشارت داده فرمود (انّا کفیناك المستهزئین) (استهزاء کنندگان تورا کفایت میکنم) و برطبق این بشارت خداوند انحضرت را بشریفترین کفایت سرافراز فرموده است ﴿ ۲ ﴾ آیهٔ ۹ صف مکیّه است (لیظهره علی الّدین کله ولو کره المشرکون) واورا به بهترین اظهار برتمامی دین اظهار فرمود . و قریب همین مضمون آیهٔ ۳۳ سورهٔ برائت قبل از فتح مکه است (۳) سوره « تبّت » مکیّة درعاقبت ابولهب و زنش (سیصلی ناراً ذات لهب وامرأته حمّالة الحطب ، « بازن هیزم کش خود داخل آتشي زبانه دار خواهد شد » آنها هم بآئین شرك مرده وباین سبب مستوجب دوزخ شدند » زآئین مشرك برآتش رهی است » — مختصر — انچه در قرآن کریم خبر داده دیده شد

(قس) آیا دلیل مسلمانان منحصر بهمین (اشارهٔ توریة) بود که خداوند اورا نصب خواهد فرمود

﴿ عمانوئیل ﴾ خیر . خیر . بسیار است ودلائلی روشن دارند . ولی . با یهود ونصاری به بیانات توریة مناظره مینمایند .

(الیعازر) — عمانوئیل . عمانوئیل — آرام . آرام — بی حرف — میبینم مانند یکنفر مسلمان متعصب مکالمه مینمائی — آقای قس — مگر نمیشنوید چگونه بساحت مسیح ومقام برجسته او طعنه میزند

(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار من کجا مسلمین کجا . آنهارا چه عمن . فقط برای پا برجائی دین خود کوشش نموده وطریقهٔ حقه را خواستارم — پدر . پدر — مستحضرید که تعصب بکلام دروغ بیهوده است آیا در کلام من دیده شد ؟ . متمنی است درکلمات بنده واظهارات عهدین دقت فرموده تشخیص دهید انگاه بفرمائید من بقدس مسیح ورسالت او جسارت نموده ام یا اناجیل مقدسهٔ ما ؟ — بسر مبارك — آنچه برشما مستور بزرگتر وبزرگتر است ازانچه میدانی

(الیعازر) ـ فرزند ـ طعنهٔ هم که قرآن ومسلمانان برسالت وقدس مسیح زده اند متابعت نمودی پس تکالیف من چیست وپس ازاین چکنم

ــ ﴿ قرآن ومسیح . وتثلیث ﴾ ــ

(عمانوئیل) معذرت میخواهم ببخشید « باسلام وقرآن مرا کار نیست » . ولی . حق باید گفته شود وانصاف جمال بشر وشرافت انسان است . قرآن یگانه کتابیست که مسیح ورسالة اورا تمجید نموده . ودامان قدسش را به نسبتهای اناجیل چرکین نمیدارد . ومیتوان گفت دراطراف قدس مسیح اغلاط اناجیل را تصحیح مینماید

بله . بله . قرآن عقیدهٔ تثلیث برهمی بود آئی رومانی نصاری را تنقید داشته . ومسیح را ازاین عقیده تبرئه میدهد .

(الیعازر) درصورتیکه قرآن احترام قدس مسیح را نموده ونگهبان شرافت او میباشد من هم آنرا تقدیس میدارم . وبنفس خود مقدس است ـــ امّا تثلیث که مخالف عقل وبرهان است . واز اوّل عمر بآن عقیده نداشته ام . ولی . قسیسان مارا

آموخته و میخواهند کور کورانه تصدیق کنیم « و جدان کشیم و گفتهٔ بیهوده بشنویم » - بطوریکه بوجدان خود رجوع نموده . وبعقل ذرهٔ بین خود نسنجیم — آقای قس — عفو بفرمائید . نمیفهمم چگونه خداوند یکتا دارای سه اقنوم است (یکی) پدر درآسمان (دوّم) پسر که در زمین متجسّد گردید . پسریکه گرسنه وتشنه میشود . میخورد ومینوشد . کشته میشود (سیم) روح القدس . بالا میرود . پایین میاید وبالاخره بشاگردان قطعه قطعه منقسم گردیده است (این سه یکی یکی سه . سه یك یك سه چیست چیست ؟) به بخشید من شخص تاجر محاسبی هستم . نمیدانم . نمیپرسم . واحد حقیقی چگونه سه است . وسهٔ که دارای صفات وآثار مختلفه است چگونه یکیست ؟ — آقای من — معذرت میخواهم . بنده از مردمان متوسط هستم ومعنی تجسّد آله‌را نفهمیدم خواهشمندم برمن منّت گذاشته وایهارا بمن بفهمانید

(قس) — جناب الیعازر — اگر تعقل این امر ممکن بود دیگر قسیسان شما خواستار ایمان بسیط نبوده واقامهٔ

برهان مینمودند

(الیعازر) ـ آقا ـ اجازه میدهید بهمین ایمان بسیط کورانه خود باقی باشم ؟

(قس) چرا ازمن استئذان مینمائی . من هم مانند تو یکنفر مخلوق میباشم . برو . وبدلالات عقل و وجدان خود ازخداوندت استئذان نموده و نجات خودرا خواهان باش . فعلاً خود داری داری وصبر کرده . عجله مکن

(الیمازر) ـ آقای من ـ تا چند . تا کی . صبر نمایم . من که شخص تاجری هستم اگر وقت مطالبه سندم برسد آنی بمدیون فرصت نمیدهم . بفرمائید . چگونه در اطراف دین خود کنجکاو نبوده ودر این موضوع خود داری کنم . با انکه دین یگانه سبب نجات وسعادت است

(قس) . ای الیعازر . اگر مدیون بگوید . شب است . توهم در کسالت خواب هستید . راه هم مغشوش میباشد و پول شما نزد من حاضر است . ولی . تا صبح من باشما بوده . پس از رفع کسالت خواب وجه را تقدیم خواهم داشت . ازوقت در سکه پول دقت کرده وبا روشنائی وفرصت کاملی بشمارید

— آيا — بأين مديون اظهار تشكر نموده يا مذمت خواهی داشت .

(اليعازر) تشكرات خودرا بچنين مديون تقديم داشته ومخالفت نصيحت او نخواهم نمود

﴿ قس ﴾ پس مرا مهلت داده وبمذاكرات ما گوش دهيد .

(عمانوئيل) مذاكرة قس با پدرم مرا روح حيوة بخشيده . ودانستم كه شخصي عاری از تعصب وحق كشيست . ولی . اشتياق مفرطی بطیّ مراحل بحث داشته . وبزودی وصول بمقصود خواهان بودم

(قس) ـ عمانوئيل ـ بخوان ـ اليعازرشما هم بشنويد

— ﴿ تورية . وكسيكه بگويد زنم باكره نبوده است ﴾ —

﴿ عمانوئيل ﴾ پس خوانده تاباب ۲۲ عدد ۱۳ تا ۲۲ سفر تثنيه رسيده . ديدم ميگويد (هرگاه مردی دختری را گرفته و بگويد باكره نبوده . پس پدر ومادر دختر علامت دختری وبكارت او را برداشته ونزد بزرگان شهر ببرند وآن پارچه خون آلود را در مقابل آنها بگسترانند . آنوقت بزرگان

شهر آنمردرا تأدیب کرده ویکصد مقداری از نقره اورا جریمه نمایند وبه پدر دختر بدهند وآنمرد نمیتواند تمامی عمرخود زن مزبوره را طلاق بدهد . ولی . اگر چنانچه مطابق ادّعای مرد بود وعلامت دختری وبکارت نداشت زن را سنگسار کرده تا بمیرد . زیراکه بزنای خود عمل زشت درمیان اسرائیلیان نموده است

﴿ قس ﴾ آیا دراین شریعت می بینی چیزیکه دراو بحث نمائید ؟

(الیعازر) ـ آقای من ـ منکه شخصي ازعوام وبی علم هستم میدانم که این شریعت ظلم انگیز . آئین خداوند نیست . بفرمائید . چیست علامت دختری وبکارت که بایست به بزرگان شهر ارآئه دهند ؟ مگر خونُ کمی بپارچه نیست ؟ آیا این کار کار مشکلی است ؟ ومادر دختر نمیتواند پارچه بخون گنجشک آلوُده وبه بزرگان شهر ارآئه دهد . وباین وسیله ننگ فامیلی خودرا برداشته واستفاده مالی هم بنماید . ودختر راهم طوق بلائی نموُده بگردن مرد بیچاره بیفکند ـ آیا خداوند این علامت بی اصل را میزان احکام وتکالیف قرار میدهد ؟

. آقای من . برفرض كه آن زن هم « علامت دختری » نداشت . بفرمائيد . بچه سبب اورا سنگسار نمايند تا بميرد ؟ وچرا اورا زانيه وزشت كار بدانند ـ مستحضرید ـ كه علامت دختری وبكارت پردهٔ نازكی است كه بجستن سخت وحركت شديد پاره ميشود . ودر موضعيكه خون حيض بسيار گرم وتند است بواسطهٔ توالی جريان پرده را پاره مينمايد . آيا در اين صورت ممكن است اورا زانيه وزشت كار ناميده وسنگسارش نمايند . آنهم بدرجهٔ كه آن بيچاره با عفت ونزاهت بميرد . آقای من . چگونه . خداوند اين شريعت ظلم انگيز را بر قواعد غير معقوله چيده ومرتب فرموده است ؟

(قس) . ای اليعازر . می بينم بر توريتی كه بايست اورا تمجيد نموده واحترام كنی اعتراض مينمائی

(اليعازر) لازم است كه شريعت حقّه را ستايش نموده وثنا خوان آئين خداوندی باشم . واز اين جهت بر آنچه منافی مجد وعدل وحكمت خداوندی است اعتراض خواهم داشت . آقای من . من بندهٔ خداوند هستم . نه بندهٔ مكتوبی كه با مجد خداوند منافات دارد

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل . بخوان — بخوان

—﴿ توریة . وطلاق ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱ باب ۲۴ . گفتم . آقای من .
توریة میگوید چون کسی زنی بگیرد ونکاح خود را بیاورد
اگر بنظر او پسندیده نیاید از اینکه عیبی در او بیابد انگاه طلاق
نامه نوشته بدستش بدهد واورا از خانه اش رها کند —
بفرمائید — جهت چیست جماعت نصاری طلاق را حرام
نمودہ وزشت میشمارند ؟

﴿ قس ﴾ . فرزند . اناجیل میگویند که حضرت مسیح اورا
حرام وباطل فرموده واصرار بر زشتی آن نموده است —
ودر صورتی که مایلید در اطراف این مطلب مذاکره نمائیم
خوب است بحث را محول بقرائت اناجیل داشته . وفعلاً قرائت
توریة را بتدریج خاتمه دهیم

—﴿ زن برادر . وتوریة ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا باب ۲۵ عدد ۵ تا ۱۱ خواندم
— مختصر — ۵ اگر چندین برادر بودند ویکی از انها وفات
نمود وفرزند نداشت زن اورا برادر تزویج نماید واولین

فرزندی که از آنها متولّد شود جانشین آن میت خواهد بود
واورا فرزند آن میت میخوانند . واگر برادر نپذیرفت . آن زن
نزد بزرگان اسرائیلیان رفته شکایت نماید . ودر صورتیکه آن
برادر استنکاف داشت درمقابل رؤساء اسرائیلیان کفش از
پای او بیرون آورده وآب دهان بصورتش میاندازد . ودر
اسرائیلیان «خانه کند شده کفش» خوانده شود
(الیعازر) شکر خداوندیکه مرا یهودی ودارای برادران زیاد
نکرده است . والّا . صورت من هم درمخاطره این بود که
در آب دهان زنان بی حیا غرق شود
«عمانوئیل» . آقای من . این چه عادت وحشیانه است
که برنده ادب ودرندهٔ پردهٔ حیا وشرافت است . با اینکه براو
فائده هم مترتب نیست . مگر حکمی زور ودروغ بی حقیقتی
است وچگونه میشود این فرزند بنام میّت قیام کرده ونام اورا
زنده نماید . این گونه احیاء نام میت بتزویر ودروغ دیگری
هم حاصل میشود . پس لازم نیست مرد را درمیان دو بلا
بگذارند یا اورا رسوا کرده وبشکل زشتی اهانت دارند . یا
مجبور بتزویج زنیکه نمیخواهد بنماید . بلکه خوشوقت است

برادرش مرده . خود وخانواده اش ازشرّ این زن خلاص شوند . آقای من . این شریعت بیهوده ازخداوند وموسی وتوریه حقیقی دوراست . راستی آئینی سست وپست وازافکار مردمان بی سر وپا شمرده میشود

﴿ قس ﴾ . ای عمانوئیل . بأین درجه بتوریه مقدّسه زبان درازی مکن

(الیعازر) . به بخشید . این توریه خود شخص را مجبور بزبان درازی نموده وعصبانی مینماید

(قس) ـ بزودی گشاید دری بر تو حق ـ

(عمانوئیل) . آقای من . آیا پیش ازتوریه هم اثری ازاین آئین زشت بود ؟

﴿ قس ﴾ امّا راجع به ([illegible] کردن) و (کفش کندن) بنظرم نمیرسد ـــ ولی ـــ درتوریه است که تزویج مرد زن برادر شوهر را برای ابقاء نسل برادرش [illegible] بوده و [illegible] او خداوند را بغضب خواهد درآورد . عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳۸ سفر پیدایش متذکراست که « عیر » فرزند یهوذا پسر یعقوب وفات کرد پس یهوذا به پسر دوّمین خود « اونان » گفته برو

وزن برادر خودرا تزویج کن ونسل برادر خود را باقی دار .
چون « اونان » دانست پسر اولین ازاو شمرده نمیشود نطفهٔ
خود را بزمین میریخت . واین عمل از اونان در نظر خداوند
زشت بود

﴿ عمانوئیل ﴾ . آیا . این در زمان یعقوب شریعت الهیه
بوده است

﴿ قس ﴾ . فرزند . نه اینکه هرچه در توریة است سؤآل
از صحت آن نموده وازمن تصدیق میخواهی ـ مگر شمارهائیکه
در سفر پیدایش بالأخره خداوند متعال را کاذب داشته
ومار را ناصح وراست گو شمردند از لحاظ نگذارنیده
ودر صفحهٔ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این نسبت دروغ را توضیح
نداده اید ؟

(عمانوئیل) . آیا . قبل از شریعت توریة شریعت الهیه
بوده است ؟

(قس) . خندیده . وگفت بعض اصحاب ما وازآن جمله جمعیت
« کتاب الهدایة » تصریح نموده ودرجزء ٤ صفحهٔ ۱٦۷ و ۱٦۸
و ۱٦۹ گفته اند « که پیشیان ازآدم وابراهیم ویعقوب برعادات

آنزمان رفتار کرده وشریعتی برآنها نرسیده است . بلکه دراین دنیا برعادات جاریه رفتارمینمودند

(عمانوئیل) . آیا . صفحهٔ ۲٤۱ تا ۲٤۳ کتاب (الهدی) بنظر مبارك رسیده است

(قس) . بله . بله . آه . شرمندگی وافسوس ازدو جهت است یااز جهل اصحاب ما بکتب خود ـ یا ـ از شدّت تعصب وعناد آنها . وهمین قدر عـدد ٥ باب ۲٦ سفر پیدایش در سرزنش وتوبیخشان کافی است . خداوند باسحق خطاب فرمود . میگوید . « ازجهت انکه ابراهیم کلام مرا گوش داد وانچه برای من باید حفظ شود حفظ نمود اوامر وفرائض وشرایع را » ودراصـل عبرانی است (عقب اشر سمـع ابراهـم بقولی ویشمر مشمروتی . مصوتی . حقوتی . وتورتی)

(عمانوئیل) چیست که اصحاب مارا دراین ورطهٔ بزرگ فرو برده ومارا دچار محذور نموده است

(قس) چون بعض شرایع (قرآن) شرایع توریة وشرایع منسوبه بتلامیذ وبولس را نسخ نموده است اصحاب ما غرض

رائی داشته و گفته اند نسخ شرایع الٓهیه ممتنع ومحال میباشد . لذا . شرائع قرآنیه را درعالم دیانت محال شمرده اند ـ ای کاش درچنین واهیات اقتحام غینمودند

(عمانوئیل) . آیا . کتاب اظهارالحق . وصفحهٔ ۲۳۵ تا ۳۲۱ کتاب الهدی را در مبحث نسخ دیده اید ؟

(قس) دیده وبر بدبختی اصحاب خود تأسف خورده ام

﴿ عمانوئیل ﴾ اگر نسخ شریعت درعالم دیانت ازمحالات شمرده میشود . پس ـ بفرمائید ـ فعلاً از شریعت تورتی که مسیح وانجیل اورا اثبات داشته وبحفظ آن وصیت فرموده است نزد نصاری چه موجود است ؟ وچرا کتاب اعمال رسولان ورسائل منسوب ببولس شرایع توریة را بلسان توهین واستهزاء ابطال نموده اند

(قس) ازخود آنها پرسیده ازمن سؤال مکن

(الیعازر) چون این امریست بزرگ وبحثی است سودمند وفائدهٔ آن درعالم دیانت بسیار است چرا دراطراف آن بحث نکرده ومتعرّض نشویم

﴿ قس ﴾ بزودی مختصری ازان را متذکر شده . وممکن

است درمستقبل باعمال رسولان ورسائل منسوبه بپولس رسیده مفصّلاً درانموضوع مذاکره نمائیم

—﴿ عمل بتوریة ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا بعدد ٤٦ باب ۳۲ سفر تثنیة رسیده . گفتم . آقای من . موسی در این عدد وعدد ۱۲ باب ۳۱ وغیران . بعمل نمودن تمامی سخنان توریة تشدید فرمود . وبحفظ وصایا وفرائض مکتوبه درسفرشریعت بسیار تاکید نمود که « هرکه بآنها عمل نماید تمام لعنتها براوخواهد بود » وعدد ۱۵ تا ۲۰ باب ۲۸ ملاحظه شود . ودرعدد ۲٦ باب ۲۷ « کسیکه کلمات این توریة را برای عمل اقامه نماید ملعون است » ـ آقای من ـ ما که ایمان بتوریة آورده واورا کتاب آسمانی میدانیم — پس چرا عمل باو نمینمائیم . باانکه انجیل متی عدد ۱۷ تا ۲۰ باب ٥ هم ازلسان مسیح تصریح مینماید براینکه « برای نقض ناموس نیامده بلکه برای تکمیل او آمده است . وهرکه یکی ازاین وصیتها وصیت کوچک را شکسته ومردم را بشکستن اورا تعلیم داده درملکوت سموات کوچک خوانده شود » . چنانچه اناجیل هم تصریح میدارند

که مسیح تا حادثهٔ صایب بشریعت توریه عمل میفرماید - آقای من . آقای من - پس چگونه از این لعنتها خلاصی خواهیم یافت

—﴿ فداء مسیح از لعنت ناموس ﴾—

﴿ قس ﴾ - خندان - گفت . فرزند ای عمانوئیل . وای عزیز من الیعازر . کلمات مرا شنیده و گرفته نشوید . الهامات مقدّسه که درعهد جدید ما بشارت بزرگی بنجات ما از این لعنتها داده است . در عدد ۱۳ باب ۳ رسالهٔ منسوبه بپولس است که باهل غلاطیه نوشت « مسیح ما را از لعنت توریه فدا کرد چونکه درراه ما لعنت شد چنانچه مکتوب است « ملعونست هرکه بردار آویخته شود » ! !

(الیعازر) آیا این کلام درعهد جدید مقدّس ما از پولس پیغمبر است ؟! بنا براین شخص مجالس غنا و طرب ورقص زنها رفته راستی گناهش از شنیدن اینگونه کلمات زشت واین نوع جسارت ورزی بحضرت مسیح کمتراست

(قس) . نه . ای الیعازر . بازی ورقص زنها درمجالس مردان ازعادات ملحدان وبت پرستان است

(الیعازر) . آقای من . مگر این کلمات زشتی که در بارهٔ مسیح میگویند از عبادتهای مؤمنان نیک کیش وخیر اندیش است ؟
ـ آقای من ـ منکه نمیتوانم انچه را در کتب مقدسهٔ ما است ومیخوانید بشنوم . وانها مرا گرفته وپریشان نموده است
(قس) ای الیعازر کسیکه دچار مرض فتق است باید در تحت عملیات دکترها صبر وتحمل نماید
(الیعازر) شخص مریض را بوسیله کرده بیهوشی خابانیده وصدمات عملیات را احساس نمینماید
(قس) . نه . نه . ممکن نیست عملیات روحیه را درخواب وبیشعوری بنمایند . چگونه ممکن است با انکه شعور بزرگترین اسباب ومهمترین ونجاح آور آلات این عملیات بوده ودکتر را اعانه میدارد ـــ ای الیعازر صبر کرده وبشنو وبنور شعور استضائه کن . ونجات خود راخواهان باش
(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار . این کلام نه تنها بساحت مسیح جسارت ورزیده . بلکه بیشرمانه بقدس وعدل خداوندی تجری داشته . وبکذب وتحریف وتدلیس هم تشبث نموده است

(الیعازر) . فرزند ، بیان نمائید چگونه دروغ گفته وتحریف وتدلیس نموده است

(عمانوئیل) مراد این نویسنده از « مکتوب » آنچه در عدد ۲۲ و ۲۳ باب ۲۱ سفر تثنیه توریة « اگر بر انسان گناهیست که شریعت وحکم او قتل میباشد پس کشته شده و بردار آویخته شود . شب بردار نماند بلکه حتما اورا بروز دفن نمائید زیرا نکه بردار آویخته شده ملعون خدا است تا زمینت را نجس نسازی » — ای پدر بزرگوار — این حکم توریة در بارهٔ گناه کاری است که بسبب خیانت ومعصیت بدار رفته وازاینجهت ملعون خداوند گردیده است وزمین هم ببقاء او نجس میشود — ودر توریة ننوشته است « هرکه بردار آویخته شود ملعون خداوند است » — پدر — اگر مظلوم میباشد چگونه ملعون میگردد — آقای من — مراجعه نمائید چه قدر تحریف وتدلیس نموده وباین دروغ جسارت ورزیده

اعتراض شخص مسلمانی

در این بین مسلمانی بنزدیکی ما بوده ودرخواست نمود . آیا ممکن است من هم یک سؤال بنمایم ؟

(الیعازر) بپرس

(مسلمان) کتاب وحی شما « عهد جدید » مسیح را لعنت وملعون قرار داده . ومن طلب مغفرت مینمایم گناه این جمله برخود شما — ولی — سؤآل بالاتر از این است . روحانیان شما نوشته وعموم دیانت شما بلکه جملهٔ از کلمات عهد جدید براین است که « مسیح خداوند متجسّد . واو همان خداوند است ولباس ناسوت را پوشیده است » پس بنا براین بفرمائید . لعنت وملعون در نتیجه کیست ؟! نتیجه به چه کفر برمیگردد ؟! — خداوند مرا ببخش . زیرا من از این اظهار تنبیه بندگان تو را از غفلت گمراهی خواستم

﴿ عمانوئیل ﴾ ای رفیق . راستی دراین سؤآل خود شما احسان فرمودید . وما هم در میدان بحث بوده وخواستار حق ونجات میباشیم . نه اینکه در حظیره تقلید وتعصب حق کشی مینمائیم

(مسلمان) درصورتیکه شما در میدان بحث براستی قدم برداشته وبایك قصد خالصی جولان میدارید خداوند هم توفیق مرحمت خواهد فرمود — مرحمت زیاد — شمارا بخدا سپردم — واگر

ازاین سؤآل من ملول شده اید به بخشید

(الیعازر) . ای عمانوئیل . آیا درعهد جدید ما دیگر هم مانند

این جمله زشت خشم آور ومثل انچه درابواب سابقه توریه

گذشت دیده اید ؟ ــ یافت میشود ؟ . یا . نه ؟

(عمانوئیل) ازحضرت قس بپرسید

(قس) آرزومندم که نداشته باشد ــ ولی ــ

« نه هرچه شخص طلب کرد بهره ور گردد » ماکلّ ما یتمنّیٰ المرء

یدرکه ــ بزودی درعهد جدید انشاء الله خواهم خواند

وانچه دراواست خواهید دید

و (سُبحانَ رَبّكَ رَبِّ العِزّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلیَ)

(المُرسَلینَ وَالحمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ)

(نجف اشرف مطبعهٔ ﴿ حیدریّه ﴾ ۲۳ ماه)

(مبارک رمضان سنهٔ ۱۳٤٦)

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۰۲	۰۹	ره از	ره ار
۰۰	۱۰	ایست	است
۰۰	۱۶	ورد	ورود
۰۳	۰۳	بهر	بهره
۰۵	۰۳	حقیق	حقیقی
۰۷	۱۲	اروا	اورا
۱۰	۱۱	مراجعت	مراجعه
۰۰	۱۴	خلعت	خلعه
۱۴	۱۷	مینماید	مینماید
۱۵	۰۶	مانده	ماند
۱۶	۰۸	میباشد	میشود
۱۸	۱۶	سوق	سوق
۱۹	۰۷	ابن	این
۲۲	۰۳	وفقط	فقط
۰۰	۰۵	ومردمی	از مردمی
۲۴	۰۱	امورکاری	آموزگاری

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۰۰	۱۷	سواداں	سوداں
۲٦	۰۳	« ۲ »	« » »
۰۰	۰۷	٤ فارسی	فارسی
۲٦	۱۰	برع	برغ
۰۰	۱٤	۱۸۷	۱۸۷۰
۰۰	۰۰	خاتمه	در بیروت خاتمه
۲۷	۰٦	الی الی	الی
۳۱	۱۱	ولی	و
۳۲	۰۷	نداده است	فرمانی نداده است
۳٤	۰۹	بختضر	بختنصّر
۳٦	۰۲	زمای	زیادی
۰۰	۰۳	بوسیبا	برسیبا
۳۷	۰٤	نویسنده ا	نویسنده
۰۰	۰۸	اکرم	اگرم
۳۸	۱٤	۲۳ باب ٤٦	۲٤ باب ۲٦
۳۹	۰۷	استرائیلیان	اسرائیلیان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٢	١٧	وحی	بوحی
٤٣	٠١	آلهیه	آلهی
٤٨	١٠	مبشرین	مبشرینی
٥١	٠١	صدق	صدقی
٥٢	٠٨	ضلالاتی	ضلالاتیست
٠٠	٠٩	پیچیده	پیچیده است
٠٠	١٠	عهدین	عهدین را
٥٤	١٢	آن	این
٥٦	٠٩	آن است	این است
٠٠	١٠	انکه	اینکه
٦٢	٠٢	ابن زمین	این زمین
٦٥	٠٣	نجاتم راده	نجاتم داده
٦٩	٠٩	ازموده	آموخته
٧٠	١٧	مداوات	مداوا
٧٢	٠٤	گفتهای	گفته های
٠٠	٠٨	آن	در اطراف آن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷٤	۱۳	وقت	وقتی را که
۷۵	۰۹	عذد ٤	عدد ٤ میباشد
۰۰	۱٤	مصر	مصررا
۰۰	۱۵	نا مختونیکه	نا مختونیست که
۷٦	۰٤	پوزش	پوزش را
۷۷	۰۳	ازاسحق	ازاو
۸۲	۰۹	دهیم	میدهیم
۸۳	۰۵	میلرزد	میلرزید
۸۸	۰۳	معقول	معقول است
۰۰	۱۰	مزبور	مزمور
۹۰	۰٤	متفقنددرروایت	درروایت متفقند
۹۷	۰٤	خورا	خودرا
۹۸	۰۵	میخورند	میخورید
۰۰	۱٤	اظهارات است	اظهارات
۹۹	۱٤	گذشته	گذاشته
۱۰۳	۰۷	شدّت	ازشدّت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۴	۰۳	و بین	بین و
۱۰۵	۰۴	شهر	در شهر
۱۰۷	۱۴	ولیم است	ولیم اسمت
۱۰۸	۰۶	این مواد	این موارد
۱۰۹	۰۶	کوفرار	گوفرار
۱۰۹	۱۱	دبگری	دیگری
۱۱۱	۱۶	بگانه	یگانه
۱۱۲	۰۸	کامل	کامل را
۰۰۰	۱۳	به بیروی	پیروی
۱۲۳	۰۲	از این	از این طرف
۰۰۰	۱۷	راددر	در
۱۲۶	۱۶	خداوند را	خداوند
۱۲۸	۱۷	مستور	مستور است
۱۳۰	۰۷	داری	۰۰۰
۱۳۱	۱۴	هستید	هستی
۱۳۲	۱۰	بمقصود	بمقصود را

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۷	۰۷	خود	خودش
۱٤۱	۱٦	اورا	او
۱٤۳	۱۲	اعانه	اعانت
۱٤٤	۰۳	آنچه	جملهٔ امت که
۰۰۰	۰٤	توریهٔ	توریهٔ است

صفحه (فهرست قسمت اوّل مدرسهٔ سیار)

صفحه

صفحه

صفحـــه

صفحه